

سفرنام
شاه خراسان
۱۲۴۷

س
۱۴
۱۰۲

۸۸۲۷







۵۳۴



کتابخانه دولت علیه ایران

نمبر ۴۳۸۵

اسم کتاب *ملا صدیق میرزا* مصنف

درجه علم بیجه زبان

تاریخ طبع تصویر

جلد قطع

ملاحظات

میرزا



مهره اول

کیشنه یازدهم شعبان ۱۳۰۰



روز دوشنبه پنجم شهر شعبان الحظیم چهار ساعت بغروب مانده شش تیر توپ شلیک شده اعلام نمود که موب
 سعود علیحضرت شاه صا حقران خلد الله ملکه و سلطانة بغرم سفر خیر اثر خراسان زیارت مشهد مقدس
 حضرت ثامن الائمه سلام الله علیه از دار الخلافه بامر انتهاض میفرماید کلیه قشون طفر نمون متوقف دار الخلافه بقصد
 بدرقه موبک منصور خسروانه اید الله تعالی با حضور نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ در بیرون وازه و
 صف کشیده از سان حضور مهر ظهور مبارک گذشته بکلی مشمول عواطف شهرباری گردیدند قشونی که در طهران موقت
 و عساکری که در رکاب خواهد بود از اسلحه مرکب از پانزده هزار است از این عدد منقذ از قلمزم رکاب بشد باقی مقیم
 طهران خواهند بود با بجمه بندکان علیحضرت بهایون تشریف فرمای قصر دوشان تپه گردیده شب در اینجا اقامت
 فرموده صبح سه شنبه ششم بامیان من قال روانه سرخ حصار که خالصه دیوان بایون و سپرده بهیرزا محمد خان
 پیشی مت است شده در اینجا بعضی از اکابر و اعیان شرفیاب گجای مبارک گردیدند جناب آقای امام جمعه سلمه
 نیز در سرخ حصار بحضور اقدس اعلی تشریف جسته دعای سفر خواندند ذات ملکوتی صفات مقدس باد و عت
 بغروب مانده در اینجا اقامت فرموده عرایض و نوشتجات بسیار که از دار الخلافه و دایره و ادارات دولتی بجای
 بهایون ارسال شده بود از لحاظ نظر انور شاهانه گذشت و دو ساعت بغروب مانده موبک اعلی بکنار رودخانه جاجرو

که غروب خیم با اسام سردانی بود شریف فرما کردید ارتفاع کنار رودخانه جابرو در سطح طرآن صدر
 روز چهارشنبه یستم وقت صبح از کنار رودخانه جابرو بقصد بوهمن تنهاض فرموده نهار را در استلک میل
 فرمودند استلک فارسی اصطخرک است یعنی اصطخر و بر که کوچک آب و فی الحقیقه در استلک اصطخر کوچک است
 موجود است امروز در پناه دپسته نگاری از قوروق و شکارگاههای جابرو و از دور نظر مبارک رسید
 بطرف آنها رانده و تیر تفک بآن دپسته شکار انداخته دو قوچ بزرگ صید شد مبارک گردید خلاصه بعد از
 صرف نهار و قدری توقف در استلک وقت عصر تنهاض فرموده در بوهمن که منزل دوم اردوی همان
 میباشد نزول بجلال شد بوهمن متعلق بجناب آقا وزیر عظم داخله و مانیه میباشد و معنی تحت اللفظی این کلمه
 زمین لرزه است ظاهر این در فرس قدیم بمعنی لرزه باشد و با بوم که بمعنی مزر و محل میباشد مرکب شده
 این معنی گردیده و از آنجا که بوهمن از قرا و نواحی دماوند است و دماوند کثرت زلازل معروف مکن است
 بوهمن گفته باشند در هر حال بوهمن در کنار رودخانه واقعست که از شمال غربی بجناب جنوب جارت مشبع
 این رودخانه عبارتست از چندین چشمه در کوهی از کوههای لر مشرف بورت سیاه پلا پس معروف بگردنه پنگ خود
 رودخانه بواسطه چشمه بانی که در مجری و بستر آن میباشد نیز زاینده است و در بهار و تابستان از ده الی پانزده
 آب دارد ولی در فصل پائیز آب آن چهار سخت اول آبادی که در کنار رودخانه واقع شده مزرعه جور میباشد
 از آن آیرا و بعد اسکره و بعد بوهمن که عبارت از دو قلعه میباشد در یک قلعه دوازده خانوار از منی ساکن و در
 دیگر مفرده خانوار که در تپه سکنی دارند که اصلا از اهلای رومی و در عهد شاه شهید سعید آقا محمد شاه طاب ثراه آنها را
 از انولایت باین ناحیه کوچانیده اند و گرد بچه مانند میان خالی میباشد و آبادی بعد از بوهمن نوران که شش خانوار است
 و بعد از نوران شهر آباد که هشت خانوار رعیت در آن سکنی دارند پس از شهر آباد کلخندان کوچک است و رودخانه
 بوهمن بارودخانه دماوند و آب آه که آن نیز از قرا و دماوند است می کشیده بر رودخانه جابرو و در رودخانه بوهمن



و آب آه در زیر کلخندان بهم می پیوندد بقعه در بومهن هست از قرار مذکور از فرزندان حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام میباشد ارتفاع بومهن از سطح طهران چهار صد درع است

روز پنجشنبه ششم موکب بایون از بومهن انتهای سفره بوده اراضی حصار که مضرب خیام کردند حشام سلطنتی بنو
اجلال پادشاهی فرین گردید حصار عبارتست از سه مزرعه و واقع در زیر قریه کیلارد و کیلارد در جنوب غربی دماوند
و طرف مغرب رودخانه و این جمله از نواحی دماوند است اما مزاده در حصار هست که از قرار مذکور از سادات
موسوی میباشد کتخ حصار از طایفه باز کی و نقاد و پشتاد خانوار میباشد قرائی که از بومهن با حصار عرض
راه دیده میشود اول و دومین است که تقریباً در غیر سخی بومهن در کنار آب آه در طرف دست چپ راه واقع و دارای
صد و پنجاه خانوار سکنه میباشد که آنها نیز گردنچه عالی و از مهاجرین ارومی میباشد بقعه در رود بومهن است معروف
با نام مزاده تهمی که آنرا نیز از فرزندان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام دانند بعد از رود بومهن قریه مهر آباد در طرف
راست راه واقع و ملکی حاجی محمد رضای صراف از ابالی دار انخلا فاست و پانزده خانوار سکنه دارد پس ازین قریه
دو کده چار میباشد در این دو کده نیز پانزده خانوار رعیت سکنی دارند از حصار تا قصبه دماوند تقریباً یک
فرسخ است ارتفاع حصار از سطح طهران پانصد ذرع میباشد

چون قبل از انتهای موکب بایون از دار انخلا ف با سه مزرعه ارض قدس امین است سلطان زیر دربار عظم خرو
عامه رئیس اردوی معنی نقابت مزاج داشتند و محض مزید توجهات و مراحم ملوگان در باره مغزی ایبه متصرف
که روز شنبه نهم شهر شعبان با سراسی دکتر طولوزان حکیمباشی حضور بایون و شیخ الاطباء از اطباء حضور مبارک گشت
کنند که مجبور بطبی منازل بعیده و با جمعیت زیاد نباشند و بنویسند نقابت ایشان مبذل به استقامت گردید
در روز مزبور حرکت نموده درین روز که پنجشنبه ششم است بار دوی معنی پویشیه شرفیاب حضور رحمت ظهور نمود
و بهودی کلی ایشان را حال شده بود محض مزید مکرمت شایان و از راه پادشاهیت و حفظ صحت مغزی ایبه متصرف فرمود



که باز تا میسر و زکوه این پسر سلطان به سراسر ای دکتر طو لوزان و شیخ الاطباء از پیش حرکت کنند و در عیال
این پسر سلطان امین الملک و لد مغربی علیه که در کلیه خدمات و مشاغل بر حسب امر و دستخط همایون نیابت ایشان
دارد و نیابت بریاست اردو و نظم امور اشتغال و اهتمام مینماید

روز جمعه نهم و شنبه دهم و یکشنبه یازدهم در حصار اتراق شد امین الدوله وزیر و طایف و اوقاف و سنجانی
ممالک محروسه و مدیر دارالشورای گسری و امین حضور وزیر بقا با که تا اینجا بشرف الترام رکاب اعلی شرف
بودند بعد از اصغای او امر علیه و فرمایشهای ملوکانه اجازه انصراف و معاودت حاصل نموده روز شنبه
دهم روانه دارالخلافه با بهره گردیدند

از آنجا که ابتدای این سفر سعادت اثر در او احسن فصل بهار و اول گرمی هواست موبک همایون علیحضرت
شاهنشاهی خلد اندک و دولت به بعضی از خواص طایمان ایشان سپردن تقدیر از راهبایک در حدود
نیلاقی است و در این روزنامه شریفه شرح منازل آن درج و ذکر خواهد شد حرکت فرموده و اردوی نظامی
مرکب از ده عراده توپ کوهی طریشی و یک عراده توپ سلام و فوج مسعود و از خلفه جمعی سیف الملک
و موزیکانچیان لورائی و شهرستانی و شصت پنج زنبورک و یازم زنبورکخانه جمعی نصرانده خان سرتیب
و صد نفر سواره و موزیکانچیان فراق و شصت نفر سواره اینانلو جمعی حصارم الملک و دو بیت نفر خدایان
شوکت جمعی حاجی شهاب الملک و چهار صد نفر سواره ممدیه و منصور و دو بیت نفر اقایان قاجار
و سیصد نفر خدام مهربی جمعی سیف الملک و صد و بیست نفر سواره زرین کمر جمعی ساری صلمان و شصت عراده
بارکش نایب و آغروق و فسر سلطنتی بجهت کثرت ازراق و وفور آذوقه و عین غمیره از راه معمول روانه شدند
و مقرر شد که آن اردو در شام رود بموبک معنی پیوند و اسامی تفریق کاب اعلی در آنجا بجا خواهد شد و شام

صنیع الدوله وزیر الطبا عا

اعلان

این روزنامه مجانیست و علاوه بر روزنامه بایک در دارالخلافه منقطع میگردد و در اتراق و در راه و در میان
طایفه



روزی که بنیت پنجم ماه شعبان کب معودا حضرت شاه صاحب حسن خلد الله علیه و سلطانه از چشمه علی دغان شریف فرماید چاره
از توابع هزار جریب زنده گری انوشیروان میسر ضیاء الله و له حکمران سمنان و مغان که در نازل خاک ولایتین فرورین در سرزمین
سیورسات آذوقه و لوازم آسایش و رفاهیت تفرین کباب علی وارد و می یون سعی افی نموده خاطر مبارک را قرین ضیاء و خرمی
ساخته با عطای کثوب سرداری از جاذبه خاص طاعت همایون علامت کمال مرحمت عنایت ملوکانه مفتخر و مباهی گردید
طرف شمال چشمه علی بفاصله ربع فرسخ صحرائی ممتد عریضی است که امتداد آن از شمال جنوب و فرسخ و عرض از نیم فرسخ الی یک فرسخ میا
صحرائی فرور در میان دو سلسله کوه است که پشت کوه شرقی بلوک دغان پشت کوه غربی محال چارداگه هزار جریب زنده گران میا
در بادی نظارین صحرائی است ولی در حقیقت چمن نیست بلکه آنچه بنظر سبز میاید یا زراعت است یا خارستر راه از دامنه تپه های غریب
و در دهنه کوه شرقی موسوم بانبانه کوه سیلی است که در هنگام سیلاب فاضل آب مزارع کلاته و چارده بواسطه آن میل باب چشمه علی
متحی شود یکفرسخ که از چشمه علی بطرف شمال فرستند در سمت مغرب جلگه قریه کلاته است که در دهنه دره عریضی و قعده و ورود خانه
که در تفصیل تقریباً دو سنگ آب رود از دهنه دره فرور به بخارج جاریست و مزارع و قعده در جلگه را مشروب میازد قریه کلاته سابقاً در
دره بوده حالا آن خراب خالی از سکنه است و آبادی حالی در سمت شمال دره در زمین پست و بلند سگلاخی است که بیوت آن ب
و بر روی هم میباشند اشجار زیاد از هر چیل درین دهکده موجود است چشمه با دخانی معروف در ربع فرسخی کلاته و اقصیت
جمعیت کلاته سیصد خانوار و دو باب حمام و یک مسجد و یک حبشیه دارد در شمال طرف غربی جلگه ربع فرسخ بکلاته مانده آثار قلعه
خرابیده میبود که بکلی منقرض گردیده و بدقت معلوم میبود که قلعه بوده است محاذی دهنه دره کلاته در وسط جلگه آثار قلعه کهنه از
بنای قدیم شبیه بقلاع ری زرد و دیده میبود که ابالی کلاته آنرا چیل درینا مند و از قرار معلوم آنها سابقاً در این قلعه سکنی داشته



بعد از اندام بمسکن جای فعل مکان نموده است نیم فرسخ از قریه کلاته گذشته در وسط جلگه محاذی قلعه چهل در قلعه مدوریت از بناهای
بسیار کهنه که نارین قلعه بوده زیرا که قلعه مربعی بفاصله بیست و پنج الی سی ذرع با خندق محیط بر آن بوده است دیوار نارین قلعه مذکور خارج
و از داخل خشتیهای بسیار حجم و محل آن برجی بوده در طرف شرقی قلعه واقع و آثار بیوتات مدور در اطراف آن بنظر می آید عرض دیوار
نارین قلعه آنچه حالا موجود است چهار ذرع و قطر دایره آن سی سه قدم است نزدیک چهارده یعنی در انتهای نیم دایره که قرائی دارد
در آن قسمت طرف شرق نیز آثار قلعه خرابه دیگر در بالای تلی موجود است چارده فی الحقیقه چار قریه بوده یکی را در عهد کریمخان کبیر
کریمخان زند خراب کرده و سه قریه آباد موسوم به ورزن و زر دوان و قریه قلعه میباشد ورزن که در طرف مغرب واقع شده
پنجاه خانوار سکنه و یک باب حمام و مسجد و بقعه دارد که بقعده الهامی مدفن ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام است زر دوان که در سمت
شرقی است تقریباً هشتاد خانوار جمعیت و حمام و مسجدی دارد و قریه قلعه دارای ویت خانوار آبادی و یک مسجد بزرگ و حمام و دو باب
دکان حدادی و صباغی و بقالی کلبه باغستان چارده در حوالی قریه قلعه است که از جمله باغ شاه میباشد که بامر شاه شهید سعید آقا
محمد شاه عرسل احداث نموده است و باغ دیگر که مرحوم ضوان جایگاه امیر کبیر سلیمان خان عتضاد الدوله احداث کرده و در طرف غربی آباد
قریه قلعه بقعه امامزاده محمد بن جعفر تصادق علیه السلام است که شرح آن در محل خود نگاشته خواهد شد کندی چارده بخوبی معروف است
روخانه چارده از تنگه شمال جاری بطرف جنوب میرود از چشمه علی چارده سه فرسخ میباشد ارتفاع چارده از طهران قریب پانصد ذرع است
روز و شب بخت و ششم شعبان مویک مسعود همایون از چارده انتهاض فرموده در آستانش از مزارع شاه کوه سفلی واقع فیما بین شاه کوه علیا
و شاه کوه سفلی از خاک استر اباد نزول اقبال فرموده خط راه ابتدا بطرف شمال غربی است و منتهی بجا سمت مشرق تا بل مسکند و دواز
ده و باقیما بین جبال عبور نماید کرده اول که تا چارده ربع فرسخت موسوم به لالان میباشد و پای این کرده را هیست بطرف مغرب
که از آن به بندرگز میروند بعد از طی مسافتی کرده دیگر در راه هست که کوههای طرفین آن شکار آویش دارد و هر چه پیشتر میروند آن شکار
میباشد این کرده که موسوم به وورک ناله میباشد حاصل خاک چارده هزار جریب و استر اباد است بعد از آن کرده معروف به ترک چا کرده
آخری که خبر و خاک شاه کوه سفلی است موسوم به شاه سوار است در عرض راه چهل و شش و چشمه رز یاد وارضی بسوز و غرم و آب جاری میشود
ناحیه شاه کوه عبارت از سطحی است که امتداد آن از شمال بخوبست و از آنجا که کوه نسکی شامخی مشابیه دیوار که همیشه مستور از برف است
جنوب سطحی مزبوره واقع شده اینجا را شاه کوه مینامند در دامنه شمالی این کوه تخته زده مات و امنان و همچنین از قرائی بلوک بظام میباشد
در طرف شمال سطحی کوه موسوم به بلو میباشند که آبادی آن معروف بزیارت خاص است اما مزاده در این آبادی فونست آبادی شاه کوه سفلی



15
دارای صد خانوار سکنه و یک باب حمام و دو مسجد و در انتهای جنوبی سطح میس باشد و آبش از چشمه سار و رودخانه است که از برف حاصل
میشود اما قلعه خرابه که مشرف بآبادیت در اینجا بنظر میرسد از شاه کوه غلی تا جائیکه راه سمت شمال میل نموده و از گردنه قزلق سرانیز
یکفرسخ است و راه گردنه قزلق را سمت که از آن از بطام بستر آباد توپ میزنند و کاروان میرود اما شاه کوه علیا نزدیک قزلق
و در سمت مشرق سطحی و قشده و دویت خانوار سکنه و یک حمام دارد اما لی شاه کوه علیا و غلی تقریباً صد و پنجاه هزار کوفته دارند و کمال
سختی رستان قبل از قتل و قتل برای قتل و قتل با جرم و زردین و پوشش ملکه در این سنوات تا قاری قلعه میرود و رودخانه های
برودخانه نکا باین شرف و ساری ملحق میشود طایفه فوج بابا کلونی در شاه کوه یسلاق و در استر آباد قسلاقی می نمایند ارتفاع شاه کوه از طر
مستند پنجاه ذرع است از چارده تا شاه کوه شش فرسخ میس باشد

روزشنبه بیت و هشتم موبک بایون علیحضرت شاهنشاهی غرضه از شاه کوه تشریف فرما طی طاش (تاش) از قریبی استر آباد
تقریباً یکمیدان راه که از استاش و در میوند رودخانه بطرف شمال جاریست که در فصل شک آب ارد این رودخانه را شمشیر برود
شاه کوه می نمایند پس از طی دو فرسخ راه در جبال طرفین که در سمت مشرق و مغرب استجارا و سر و نترن کوهی بعضی چشمه سارها دیده
و بدو میرسند که در طرف شمال و قعت قریه شاه کوه علیا درین دره میس باشد تقریباً یکفرسخ دیگر که طی مسافت می نمایند بگردنه کوهی
موسوم به چاچیان و چمنی میرسند که دوسه چشمه آب دارد و یکی از آن چشمه ها که کذاب نامیده میشود آب معدنی مزوج بکوه کرد دارد و یکی
خلاف اغلب آبهای معدنی آب کذاب سرد و باران کوه کرد و درش طعم است اما دره که قریه طاش در آن میس باشد امتدادش از
شمال جنوب و طول دره از رشته کوه زال بیک طرف شمال و اقشده تا به مقابل که سمت جنوب است تقریباً یکفرسخ میاید در وسط
ته از شمال جنوب کشیده شده که در انتهای طرف جنوب دره و قمت می کند آب طاش که از دامنه کوه شاهوار سر چشمه گرفته و در فصل
که او اسطرخان است شش شک آب دارد ابتدا بطرف جنوب دره جاریست بعد سمت مشرق میل شده در دهانه دره رودخانه که از راه
شاه کوه میاید یکی شده موسوم بدو آب میگرد و بیلوک بطام میرود قریه طاش چهل خانوار سکنه و دو حمام و یک مسجد دارد و در جهت
فیل و عمده معاش از کوفته داریت از شاه کوه تا طاش چهار فرسخ میس باشد ارتفاع طاش از طران هزار ذرع است

روز چهارشنبه بیت و هشتم در طاش اتراق شد و در این روز بندگان علیحضرت شاهنشاهی دام ملکه بغرم تاشای بلوک کتول استر آباد
بقله کوه شمالی طاش موسوم به بزد که و چر که متصل بکوه شاهوار است تشریف فرما گردید و چون از کوه زال بیک یکفرسخ دور شدند
بسیار با صفائی که در دامنه کوه بزد که و چر می باشد چشمه های سرد کو را دارد و مرتع احشام اما لی طاش میس باشد رسیده اینجا

بعد از صرف نهار با سعد و دوی از بهترین کرباب علی بقعه مرتفع کوه یزد که و چو صعود فرمودند این قلعه در طرف شمال شرقی بلوک کتول استر آباد است
اتفاقاً در این روز هوا صاف و تمام جلگه تا ساحل دریای خزر نمایان بود این نوعی اگر چه قوروق نیست لیکن کارگاه بسیار معتبر است
و از هر قسم شکار دارد و با آنکه بندکان علیحضرت همایون قصد شکارند استند چون غفله چند از غالی از مسافت بعید می یابند یکی از آنها
که تقریباً در هزار ذری بود صید فرمودند خلاصه وقت عصر برابر دره سلطنتی مراجعت فرمودند راه معمول بطام بستر آباد از طاش است
که از طاش تا گردنه قرنی سه فرسخ و خود گردنه قرنی نیز دو فرسخ است تا بدنه کرماندشت میرسد و از بدنه کرماندشت که تقریباً جلگه است تا شهر
استر آباد چهار فرسخ می باشد

روز پنجشنبه میت و نهم موکب همایون علیحضرت شاهنشاهی ام ملکه از طاش بقریه ابریسج (اوریسج) خاک بطام شریف فرما کرد
خط راه از بدنه موسوم بدنه دو آب خارج شده از مغرب مشرق در کنار رودخانه امتداد دارد و پس از طی نیم فرسخ بطرف جنوب می آید
و دره وسیع می گردد در اینجا چهار کاروانسرای بارانداز برای قوافل استر آبادی که بشاهرود و بطام میرند در قدیم الایام بنا نموده اند
که یکی از آنها با سنگ و کج و باقی با خشت و گل ساخته شده و هر یک دارای برجیست که مخصوص حراست بوده است بعد از آن
جبال اطراف از یکدیگر دور می شوند پشت کوه طرف جنوب ده تلی باشد که از منازل راه معمول خراسان است و از اینجا بشاهرود میرند
و راه ابریسج در دامنه کوه شمالی مشرق می باشد یک فرسخ با ابریسج مانده در دامنه کوه مزبور قریه نکار من است که تقریباً چنانوار سنگینه
قدیمی از نگار من گذشته بدنه استابج یا استاد است که بطرف مغرب امتداد دارد تقریباً به سنگ آب از آن جاریست که بمنبت بطام
و محاصره استابج بواسطه قنون شاه اسماعیل صفوی در تواریخ مضبوط است از بدنه استابج تا ابریسج ربع فرسخ است ابریسج که قریه مشرق
شاهرود و بطام است در بدنه دره که در دامنه کوه شاهوار است در طرف مغرب بل شمال جلگه بطام واقع و رودخانه که از بالای دره می آید
از وسط باغستان یاد ابریسج جاریست و چند چشمه آب سرد کو را در حوالی رودخانه دیده می شود و یکی از چشمه ها موسوم بتم دلدل که از میان
از سوراخی که شبیه بتم است بیرون می آید اما لی گویند اگر خیزنا پاکی در چشمه اندازند آب چشمه مانند تی خشک می شود قریه ابریسج دارای صید و
خانوار و دواب حمام و چهارده مسجد و شبیه بقصیه مغرب است و بعضی از مساجد آن از بنیه قدیمه و یکی از آنها را در سال هشتصد و دویست
قریب بیت فخر طلبه و فضلالی با علم درین قریه سکنی دارند گویند چون محلی که این قریه در آن واقعست شجر با شجرا و درختان در آن ختم قطع
و بیوات بنا نموده اند اما موسوم به اوریسج شده و از اینجا که داوود با در فارسی بهم قلب می شود اوریسج را حالا ابریسج تلفظ می نمایند
از طاش ابریسج چهار فرسخ است ارتفاع ابریسج از طهران چهار صد ذریع است



۱۷
روز جمعه سلخ شهر شعبان بکب ظهر کوب شاهانه از ابریسج حرکت فرموده ظاهر بطام مضرب خایم سپهر اقامت مغل کرد و بندگان این حضرت
شاهی خلدات مکه و سلطان چهار ساعت بغروب نمانده انمیرل را بورد و مسعود خسروانی فرین فرمود و اردوی بزرگ که از راه معمول
شاه بود آمده و در اینجا قدم محبت لزوم آمد مسخره نظر بود در موقع ورود موکب اعلی سران و سرکرگان افواج پیاده و سواره
و صاحبان عموماً باستقبال مقدم فرخنده شیم مبارک شتافته فردا مشمول عواطف خاصه یونی گردیدند و اردوی
که صورت آن در ذیل مطور است حسب الامر شرف اتمام رکاب اعلی مستعد شد

صورت اردوی بزرگ که از شاه بود برکات یون پسته

سيف الملك حلا الدوله شهاب الملك صارم الملك

توچانه غمیره

توپ سلام کعبه داده توپ کوهستانی و غیراً توپچی خمچه نفر توپچی سبک اطریشی و غیره زنبورچیان برای نصران سرب مشقاده

افواج سواره پیاده و غیره

فوج مسعود طهران جمعی سیف الملك با دو دسته نویر کانی شهرستانی و ارکه نصفر غلامان کجانه برای توپل آقاسی باشی دوست و نجاف
سواره منصور و مهنیه برایست حلا الدوله و مفصد نفر غلام شاهسون کت برایست شهاب الملك دوست نفر سواره شاهسون بانیو برایست صارم الملك
بنقصه پنج نفر غلام مهری سید نفر جمعی سیف الملك سواره قزاق صد و سی یک نفر

نیز در این وزیر حبیب الله خان سعاد الدوله میر تومان حکمران استرآباد بار و ساقی ل طوائف ترا که میوت و کلان و غیره که از رعایای قدیم
منقاد دولت علیه میباشد قبیل کاب ظفر شهاب مقدس پادشاهی مفتخر و مباهمی شد از ابریسج تا بطام کمتر از دو فرسخ و راه
از شمال غربیت بطرف جنوب شرقی و از آنجا که شرح جغرافی تاریخ شاه بود و بطام در سفر نامه مبارکه مشهد مقدس سال هزار و دویست
هشتاد و سه که تقویم مغیر رقم خسروانه مسطور شده و در جلد اول مرآت البلدان نگاشته شده و بعد با مفصلان نیز نوشته خواهد شد در سبب
عدم کنجایش متعرض نشدیم ارتفاع بطام از طهران دویست فرسخ است

روز شنبه غره شهر رمضان المبارک و روز شنبه دویسم در ظاهر بطام اتراق شد و در اینجا مسیوگان نوکی فنون دولت روس مقیم باد
با همراهی سعاد الدوله میر تومان حکمران استرآباد بحضور بابر انورهایون مشرف و بعواطف خاصه شاه مشمول گشته با عطای مکمل کتبی
الکس در جبهه اختصاص یافت بهم در اینجا عمید الملك باردوی معلی پسته در عداد قلمین رکاب اعلی معد و دشت نیز در انمیرل محض
مرحوم کابل خسروانی و اظهار تفقد و غایت مخصوص باره امین سلطان زیر دربار عظم و خزانه عامه شریف فرمای منزل ایشان



کر دیده مغزی ایاز نبدل این بهت عظمی شریکات و عظیبات قدوم دت لزوم افسوس فایم و اقدام نمود بهم در اینجا ساعد الدوله سرتون
حکمران استرآباد که همواره طر محدث اثرهایون از جلال خدات خود خرسند خت نیز در عبور موکب منصور مقدس و نچند روزه از خاک استرآباد
چنانکه باید بفرایم نمودن بوزم آسایش تفرین کامیاب کردی مشمول عاطفت خاصه سروانه گردیده بایک کثوب سرداری شمسه وضع خلعت بپوش
طلعت بایون لیل ضیایت و سرت خاطر الهام و خیر پادشاهی منتهی میگردید و آقایان استرآباد و سرکردگان و حمصا صبا بان استرآبادی و روسا
طوائف قبایل ترکمه نیز توسط مغری به بریک علی قدر تمهم بخلعتی سر بلند گردید و آسامی آنها از قرار ذیل است

آقایان استرآباد

جناب آقا سید ام آید آقا محمد پسر مرحوم ملا محمد ضیای شهید آقا حسن پسر مرحوم آقا نظام الدین آقا سید امیل از طایفه دراز کبوی شیخ حقیقی راوی
سرکردگان و حمصا صبا بان استرآبادی

میرزا علی تقی خان سرتیپ در سکی عبد الصمد خان سرتیپ علی محمد خان سرتیپ میرزا سعد الله خان میرزا محمد حسین شیکار چکنیز میرزا
فتح علی خان سرکرده استرآباد در ستاق محمد علی خان سرکرده کرد محمد و سدن رستاق سلیمان خان سرکرده مقصود و سلیمان خان یوزباشی از
طایفه ملک محمد علی خان سرکرده ازنی محمد خان سرکرده کشنی عیسی خان سرکرده پائین سوری ملک عیسی علی کبرخان فوکری علی کبر سلطان
کلانتر بلوک استرآباد در ستاق آقا عبدالرحمن کلانتر بالاشاه کوه محمد علی خان کلانتر پائین شا کوه آقا محمد ابراهیم کلانتر ساور آقا سید امیل شاه کوی
حاجی محمد علی شاه کوی آقا رضا تحویل در سیورشا آقا فرید طاشی آقا محمد تقی تاجر استرآبادی نشان چار درجه درجه چهارم

خوانین و ریش سفیدان طوائف ترکمان

طایفه جعفر بای و اغور علی

(نور علی) حاجی کلدیخان آیل کلدیخان پسر حاجی کلدیخان آدینه خان حسین خان مسیح خان تجنی سلطان طغان تارول
تاج محمد سلطان آیل محمد آتق علی خان عوض قندی آتاقلی تاز محمد

(بار علی) حصید نظر خان قوباش خان باباخان آرتق وردی حاجی غایب حاجی راز عمر خان نظر سردا آتاکلدی
حسن خان (اغور علی) ملاخواج نیاز آراز محمد قلیج خان

آتابای

مذرخان حاجی نظر خان قوشلی خان سالار خان پسر امیر خان سرباز خان صادق خان بهرام خان بیکر ازخان چغان خان اوشیدخان
آمان نق خان ملا بهرام وردی باطرخان آوره ساطق خان بکجعلی خان آراز کلدی

(داز) حاجی قلیخان ولی بای خالد خان ویردی خان خالد وردی (ملقی) قوشلی خان ملا قربانخان یوزباشی قلیج محمد خان
آقا محمد قزل قوشاق قارلی محمد وردی آرازخان محمد طغان (دوجی) قارلیخان آمان قلیج خان ویردی خان منکلی خان آت محمد
خاخال خان صارخانی آرتق نظر آمان قلی طوائف ایل بالا

(قان یخیز) قلیج قبان خان عوض خان آمان آراز علی (قوجی) شیخ ملا مراد خالی خان آتا محمد خان محمد ویردی (کوچک) سعید خان
داتق نظر خان امیر قلیخان قره بو قومان بابا بغدادی

صنیع الدوله وزیر اعظم



روز دوشنبه نهم شهر رمضان المبارک موبک طهر کوب علیحضرت اقدس شاهی خلد اند ملک و سلطانه از طایفه نظام حرکت فرموده رفتی
 کلاته خج کردید راه بند از طرف مغرب سمت شمال شرقی امتداد یافته تا قریه دولت آباد که در نیم فسخی در دست راست راه و است از
 میل راه بشیر شمال شده و پس از قلیل مسافتی چهار دهمکه که اولی موسوم به ده حیر و بعد از آن کرکان پس از کرکان کل گنبد جامی
 مسجد نام دارد در دست چپ و در زیر ابرج واقع شده است در محاذی این قرار طرف دست راست دهمکه های سفیدان و قادر و قاسم
 دیده شود بعد از آن در همین طرف علی باد ظهیرالدوله است وزیر آن در خط راه حسین آباد ملکی میرزا مهدی زردینی که قلعه خرابه دور
 در پهلوی آنست از اینجا گذشته در دست راست تقی آباد جان محمدان سرتیپ در محاذی آن علی آباد جان محمد خان وزیر علی باد قریه خمدال
 و محاذی آن که دست راست و قدری و در از راه باشد قلع علیا و قلع سفلی است وزیر خمدال قلعه حاجی عبدالله مجتهد نهر جریبی است بعد در
 راست در پهلوی خط راه قلعه سرخان است پس از آن در بسیار و در از خط راه در دهن کوه شمالی قریه میغان است و کوه در میغان که در
 شمال راه از طرفی بکوه شاهوار وصل است و از سمت دیگر بکوه متصل میشود و این جبال حاصل خاک بطام و استر آباد میباشد و از آن گذشته
 در سمت یمن قریای زرگر و نصیر آباد و چاقاق و پرو و سید آباد و قلعه میرزا محمد علی و قاسم آباد علیا و سفلی میباشد که هر یک جزئی از آبادی
 دارد و محاذی این قریا در جلگه که اوخر دهن کوه شمالی میباشد قلعه محمد آقا و کرمن و قلعه سفید و قلعه نو و خرقان و ابر میباشد که مجموعاً
 پنجاه خانوار سکنه و باغستان یاد دارد و در نزدیکی آبادی خرقان بر روی تپه مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی قدس سره است که از هر کوه زنی
 و خرابت متصل باین مقبره مسجد مربع و بسیار مرتفع که منتهی میشود بکنبدی که بشکل مخروطی بی شباهت نیست و ظاهر کنبد را کاشی
 کاری کرده اند از گنبد و کنبد که بخط نسخ مزیج ثبت است معلوم میشود که این مسجد را در عهد سلطان ابوسعید مغول که روح نوان بنا
 با بجمه قریه خرقان قریای متصله بان آباد و دارای باغستان یاد و میوه جات میباشد و آب کلیه قریای امروز از قنوات است و از خرقان گذشته

تاکلاتیه خج راه در تال و باد و یکبار بطرف مشرق است از بطام تا خرقان بقعیده مالی سه فرسخ و از آنجا تا کلاتیه خج سه فرسخ و لی هفت
فرسخ تمام است کلاتیه خج و خج و وقریه است از اعمال بطام و فاصله بین این دو یکده چهار هزار ذرع است اولی در سمت غربی در
جلگه و دومی در طرف شرقی آن است بیوات کلاتیه خج مطابق بر روی تل مستدیری ساخته شده و عبارت از پانصد خانوار است
و خج نیز بوضع کلاتیه خج و دارای صد و پنجاه خانوار میباشد آب این دوقریه از قنوات و چشمه روبریک از دود یکده تقریباً
بامند و نیم فرسخ باغستان دارد سکنه بومی و اهل همین ناحیه میباشند ارتفاع کلاتیه خج از طهران یکصد ذرع است

روز سه شنبه چهارم از کلاتیه خج تشریف فرمای چمن خورش سلاق گردید از جلگه که کلاتیه خج در آن واقعست قدری که بطرف
چمن خورش سلاق میرود دو کوه طرفین راه یکدیگر نزدیک شده و به شکل میله که آب کلاتیه خج و خج ازین دهنه بدو کوه میرود
و قبل از آنکه داخل دهنه شوند در طرف مغرب تل میباشند که در انتهای آن آثار قلعه خرابه بنظر میآید که مارین قلعه مربع بان وصل
و قلعه موسوم بقلعه دستی از محاذی این قلعه داخل نمیشوند و سکه بواسطه کوه موسوم بچهل دختر و دره یاد و سکه میشود که سکه دست
معروف بدهنه سیاه و سکه دست را مشهور بدهنه باغوشا خط راه در دره است و جبال طرفین اشجار اورس و زرشک و پس از آن
بگردنه زرد الو فروش رسیده ازین گردنه سر ازیر شده و در چمن خورش سلاق میشوند گردنه زرد الو فروش که حد فاصل بطام و استرا باده
در جانب جنوب چمن خورش سلاق و کوه سمت مغرب آن موسوم بچل پنج و کوه طرف مشرق یا رلاق و کوه جهت شمال و چکل خورش سلاق است
جبال فر بوره کلمه چکل اورس دارد آب چمن خورش سلاق از چند چشمه است که یکدیگر وصل شده و رودخانه کوچکی تشکیل داده از سکه فرغن در کوه میآید
مشرق شمال و قعده سمت تل آباد میرود اما چون آب کم است بیل آباد نمیرسد و در جلگه خورش سلاق تقریباً یکفرسخ و در شرق مغرب است
در چمن خورش سلاق غلبه موجود است در رستان در خورش سلاق برف زیاد می آید ارتفاع خورش سلاق از طهران چهارصد ذرع است

روز چهارشنبه پنجم موبک سعود بهایون از چمن خورش سلاق بجوالی قریه تیلاباد از خاک فدرسک استرا باده نزول جلال فرمودند
اینحضرت شاهی درین روز از راه چشمه سرخ حرکت فرموده راه بود در جلگه و یک ارغالی در کوه چشمه سرخ سکارشت مبارک گردید از خورش
تا تیلاباد دو فرسخ و راه تقریباً از جنوب شمال است و دیگر فرسخی تیلاباد و مرعه است معروف بکلاتیه غیر که اما مزاده در آن مدفون است قریه
تیلاباد پنجاه خانوار سکنه بومی است خانوار غریب دارد آتش از یکدشت و چشمه روافل آب آن بکرکان آق قلعه میرود و زراعت تیلاباد عمدتاً
کندم و کوههای جنوبی تیلاباد موسوم بچل پنج شمالی معروف بکوه تیلاباد و مغربی مشهور بچل یورت است تیلاباد چهارصد ذرع از طهران است
روز پنجشنبه ششم حوالی قریه پستان از اعمال نزدیک مضر خیم کردون چشمه هایون گردید از جلگه تیلاباد قدری که طی مسافت میباشند

چل
فی بیان است
۱۴

۲۱
تنگه موسوم بچو پاش داخل میوند عرض بعضی از جای این ده از سنگی به فرغ میرسد و امتداد دره بکفر سخت و منتهی بگردنه کوچکی می شود قدری
ازین گردنه گذشته گردنه دیگر است که آنرا کتل بنی می نامند از سر این گردنه فرای تن چال و امونا و حسین آباد که جزو فدرسک است آباد
دید می شود و بعد کاشیدار بنظر می آید کاشیدار قریه است در طرف شمال راه در روی مکرکوه واقع و دارای سیصد خانوار آبادی
آب آن از چشمه سار و اما مزاده دارد موسوم بحجره و مکنی بابو الهاسم و نمفرنج که از کاشیدار میگذرند بقریه کلستان میرند کلستان
که در طرف مشرق کاشیدار و در دره و آب دیکه است که کوچ بند شده و شبیه قلع می باشد جمعیت آن شصت خانوار و آب از چشمه
و رودخانه از دره کلستان از شمال جنوب جاریست و آبادی در کنار این رودخانه می باشد از تیل آباد تا کلستان قریب چهار فرسخ است
و ارتفاع کلستان از طهران تقریباً صد و بیست فرغ می باشد

روز جمعه هجتم موکب منصور خسر و انه اید الله تعالی بنصره از کلستان شریف فرمای چمن کاپوش کرد و از طرف جنوب غبی دره کلستان
سه ربع ساعت که راه طی نمود قریه تنگ بن (تنگ بن لا قلوبن) است که آب آن از چشمه سار متعد می باشد و این چشمه سار از دامن
کوه بلند غربی مشهور بقبی وزیر گشت هوای این قریه بسیار سرد و یلداقی و طراف آن با و غالب شجای حنظل درخت میوه است
تمام دیم و آب چشمه سار مخصوص سنهی است جمعیت تنگ بن تنگ خانوار و نمفرنج که ازین دیکه بطرف شمال طی مسافت نیمه بگردنه میرند که از
بالای آن چمن کاپوش است و قریه موسوم به نانیک در زیر این گردنه است و تمام راه در حنظل و چون نمفرنج از گردنه سرزیر می شود از دو
کوچک که هر یک دو سنگ آب و آبهای نانیک است عبور نمایند و چمن کاپوش و می کنند کاپوش چمن مسطحی است و فقط یک سطح دارد
موسوم به یورت شاه یا دشت شاه که در دوه زره توقف موکب اصلی مضربخام با هشام متعلی میبود این چمن از طرف شمال محدث بکرکان
از جانب جنوب بزردین از مشرق کاجرم و از مغرب بفرنگ و فارسین و فدرسک و در جلگه موسوم بشاه یورتی پنجه سخت در طرف جنوب
کوه سنگی بلند خالی از حنظل موسوم بچماق می باشد و در جنوب غبی کوه خواجه قنبر که مستور در شجای حنظل است و قریه نانیک در همین کوه
در سمت مغرب تلال مرتفعه موسوم بقلعه است که آن نیز مستور در حنظل و در شمال و شمال غربی کوه معروف به کوه که بخل عمودی بی دامنه است
و درختهای حنظل آنرا پوشیده و در جنگلهای کاپوش درختهای منبر بسیار و انواع سکار موجود و آثار آبادی یاد دیده طایفه کرایی در اینجا
شهری داشته اند که خرابه های آن بنظر می آید و در دانه کوچک از چشمه سار کاپوش شکل یافته و هر سه زیر حسین آباد زردین که در محوطه کاپوش
یکی شده بطرف فرنگ و فارسین جاری گردیده به سمت کرکان میرود هوای کاپوش در درستان سرد و برف زیاد می آید ولی در اول بهار
بزودی بآب می شود در کاپوش از طيور مرغابی و زنگوله بال که مرغیت مخصوص این ناحیه و قراول بسیار و کبک و تیونی است

حسین آباد درین طرف شمال جلگه در دهست کوه سرانکوه واقع شده و حاصل آن کندم و جو و نخود و حبس بهر است که همه دیم است ارتفاع
زمین کالپوش و طهر آن بیکه رجه است و سردی آن از بابت وجود میه سیاه باشد در تابستان غالباً بنفشه بکمرته در کالپوش باران می آید
روز بیت و ششم و بیت چهارم سرطان اول طلوع قیاب میزان بحراره رنموده درجه ارت بالای صفر و در طهر نوزده رجه و عصر در بنفشه درجه فرار میسر
روز شنبه ششم و نهم و دوشنبه دهم در چمن کالپوش اتراق شد و یار محمد خان بهام الدوله اینجانی شاد و حکمران ولایت بجنورد با
بجنوردی رؤسای تراکه کلان که ابواب جمعی مغری ایستادند در اینجا بتقبیل عتبه خسروانه فایز و شمول عواطف شامله شاهی کرد
رؤسای تراکه کلان بخلع هایونی سرفسار کردند

اسامی رؤسای تراکه کلان بخلع هایونی سرفسار کردند

حکیم بردی شان سپهر چمن بدی شان خالی که حالادر کرکان بکنی دای قلع ایشان که از طایفه قراغینان است ^{طایفه} خوجه قلچان ریش سفید
اندرویشی تقی خان ریش سفید طایفه حاقربیکه لی عوض نصخان ریش سفید طایفه قراغینان مراد خان ریش سفید طایفه بای
حمید زخان ریش سفید ارکلو شامخی خان ریش طایفه مصلطی قلچان ریش سفید طایفه مصلطی طغان و دیخان ریش سفید طایفه
آمان خان سپهر خوجه قلچان طغان و دیخان ریش سفید طایفه بیکاق شاه منصور ریش سفید طایفه کنگر قربان ریش سفید یکی از طوائف
ایمان ریش سفید یکی از طوائف بهادر خان ریش سفید یکی از طوائف آلهویر دیخان ریش سفید یکی از طوائف آمان خان ریش سفید یکی از
طوائف قربان ریش سفید یکی از طوائف جعفر بای سردار و سوار قرق ایلک سردار برکلی خان ریش سفید طایفه جغتو
مصلطی قلچان ریش سفید یکی از طوائف علی آویر خان ریش سفید یکی از طوائف علی خواجه نظر خان ریش سفید یکی از طوائف
محمد رضا خان ریش سفید طایفه آق کل طغان و دیخان چاق قربان خان ریش سفید طایفه کرگز توری سلام شان بی سواد
قلمراد آخوند آدینه خان حسینعلی خان نایب الحکومه کلان

تیر بعضی از معارف فدرسک که بهر ای طایفه تقی خان سرق فدرسکی از خاکپای هایون شرف اندوز گردیده بخلع هایونی
منتشر گشتند و اسامی آنها از سرفسار ذیل است

علی خان علی کبیر خان میرزا تقی میرزا محمود کربلانی میرزا غلام میرزا حبیب الله میرزا فتح الله میرزا علی
نوروز محمد بیک کلانتر آقا جان بیک کلانتر میر سید علی کلانتر
روز شنبه یازدهم موکب فرخنده کوکب هایون در چمن کالپوش اتراف فرموده ظاهر نزدین مضرب خیم سپهرام شاهنشاهی کرد

از کالپوش نبردین و فرسخ راه است و زیاده از یک فرسخ که طی مسافت نمودند بگردنه میرسند معروف بقله کرک این گردنه در طرف شمال غربی
نزدین است از آنکه سرازیر شد بجله نزدین و رودی نمایند طول جلله نزدین از مغرب بشرق تقریباً پنج فرسخ و عرض از شمال جنوب سه فرسخ
از مشرق محدود بدو کوه و از مغرب بکوه کبوده که متصل بزیوان است از شمال بکوه آق قبه و از جنوب بکوه آت داغی که کوه سنگی شکلی است
نزدین عبارت از قلعه که مثل برسی صباب خانه است و بعضی ساکن بیوتات در خارج قلعه نیز ساخته اند آب نزدین از فلات چشمه است باغستان
کمی دارد پنج قریه دیگر نیز متعلق بنزدین است و آن کلستان قلعه بن حسین آباد و باغچه و نایک است و قلعه بن حسین آباد و باغچه و نایک
در کالپوش واقع است ارتفاع نزدین از طهران یکصد ذرع است بعضی اوقات در نزدین زلزله های سخت میشود

روز چهارشنبه دوازدهم مویکب سعود بهایون از نزدین تشریف فرمای دره از قراچی جرم کرد راه هشت فرسخ میباشد امتداد راه
بمشرق ابتدا در تلال و باد دهنه کوه کریم میباشد پس از طی دو فرسخ راه بگردنه میرسند که سرازیری آن یاد تراست و بواسطه نزدین
کوههای طرفین در تخیل یافته و در طرف دست راست این دره دره تنک و دیگر است موسوم بدره سنگ سوراخ کن و چشمه آب شوری بهمن
است دره است که آب کمی در آن چشمه تابد دره که دارد جلله میشود در کوههای اطراف معدن طلق زیاد است طول دره که خط راه در آن
ممتد است نیم فرسخ و بعد از آن ارد جلله شده یک فرسخ و نیم که راه میروند بدماغه کوه طرف شمال میرسند زیر این دماغه حوضی است که آب باران
در آن جمع میشود و این حوض مینی دنباله میکیند قبل از رسیدن به مینی دنباله محلی است موسوم به جوزا سنگ که انتهای خال نزدین
و ابتدای خال جاجرم است در دو طرف راه دورشته کوه امتداد دارد که غالباً یک فرسخ الی دو فرسخ مسافت باین دو کوه است در نزدیکی
دره که منظرگاه است در طرف دست راست از دور بعضی اشجار دیده میشود از قرار مذکور چشمه در آنجا است که آنرا کور چشمه میگویند قریه دره را در قریه میگویند
و تقریباً صد خانوار سکنه حمام و مسجد و باغستانی دارد آب این قریه از فلات است دره یکصد و پنجاه ذرع از طهران پست تر است

روز پنجشنبه سیزدهم ظاهر جاجرم مضرب خیم کردون چشم خسروانی کرد از دره تا جاجرم تقریباً دو فرسخ نیم فرسخ که از دره بطرف جاجرم
ایور که آن نیز از قراچی جاجرم است در طرف دست راست راه واقع و پس از نیم فرسخ دیگر قریه کرمانه است در طرف دست چپ راه و نیم فرسخی
جاجرم در طرف مغرب بر روی کوه تپه پانصدی قلعه سندسی است معروف بقلعه جلال الدین که از سنگ و آجر و کچ ساخته شد و عبارت است
از شش برج و چند پورت و دره قلعه از بیرون تقریباً صد ذرع و قطر دیوار آن در بالا که در محل راه رود و نزدیک می فرقل است سه ذرع و ارتفاع
دیوار آن ده ذرع و چاهی در میان قلعه میباشد که ظاهر برای آب قلعه خور کرده بوده این قلعه بجهت قراولی و نمکبانی بنا شده بلکه
از استحکات آب عمده جاجرم از چشمه است که از زیر این قلعه از طرف جنوب غربی آن خارج میشود و تقریباً پنج فرسخ مسافت آب را در جهت



جاجرم جاریست این آب بسیار غلیظ و بار آبی که کوکرت است شهر جاجرم که حالا قصبه معتبرست دارای قلعه و برج و باغستان باد و در
 آن بر روی تل مصنوعی مرتفعی قلعه است خراب خالی از سکنه از بلاد قدیمه و در کتب جغرافی قدیم مذکور و در کتاب سفرنامه مبارکه که خراسان
 در سال هزار و دویست و هشتاد و سه تعلیم معجز قم بهایون نگاشته شده و در کتاب مرآت البلدان مفصلاً مستور است و روایات
 حاصله در این سفر خیر اثر در مقام و محل خود با شرحی افنی و بطی لایق یاد خواهد شد جاجرم دویست فرس از طهران پست تر است
 روز جمعه چهاردهم در ظاهر جاجرم اتراف شد

از میان قبایل سینه وال علیحضرت شاهنشاهی دام ملکه در این سفر سعادت اثر امانی اردوی بهایون از هر جهت مباحثات آسایش
 و رفاهیت فراهم و کلیه امور بر وجهی منظم است و فی الحقیقه بنیات مجموعه دارد و مثلاً به شهرت جامع که هر چند از لوازم زندگانی و اسباب
 آسودگی در آن موجود است چهار دو بازار مغربی دارای هر قسم دکان و متعه و اقمشه و کوبه ارباب حرف بار و دوی معنی در حرکت است
 که هر چیز قریب رکاب اعلی نخواهند بدون معطلی در این اردو بازار ضرورت داده است و در حال سهولت بدست می آید و بشیر الملک شاطر با شمس
 اردو بازار در ترتیب و نظم آن وضع معاملات تسهیل عمل سعی افنی و جدی کامل نموده که اسباب ضایع و غرض خیر بهایون از مغربی است
 اعتمدار

در نمره های سابق در تعداد و شرح اسامی قزاقین رکاب اعلی از دستجات و اشخاص مکید و فقره ترک تفاق افتاده بآل غنچه
 در نخل اظهار میدارد و اولاً پوشیده نباشد که دست از سواران قاجار بر ریاست میرزا محمد خان لده عضد الملک خونسالار خازن مهر شاهان
 ایل حلیل قاجار وزیر حضور شرف التزام رکاب اعلی و اثر ثانیاً میرزا محمد تقی وکیل شکر که بار دوی بزرگ بود و در شاهرو و بار دوی
 پوست نیز در عدد قزاقین رکاب بهایون است همچنین حنیقلی خان سرفراز سواره ار با سواره زرین کمر که ابوبکر جمعی را لیه است باین
 شرافت عظمی نایل میشدند

اعلان

در روزنامه شرف نمره هشتم مورخ تاریخ شهر شعبان در شرح حال نصیرالدوله وزیر فلاحات و تجارت عبارتی نوشته شده بود
 موهم اینکه وزارت کمرنگانه های ممالک محروسه از جمله مشاغل مغربی الیه میباشد برای دفع توهم اظهار میدارد که وزارت کمرنگانه های
 ممالک محروسه مشاغل مخصوصه این سلطان زیر دربار عظمی و خزانه عامه میباشد و کماکانست تعلل این وزارتخانه را اداره نمینماید
 و خجسته و در اینجاست
 صبح الدوله وزیر انطباعات



روز شنبه یازدهم شهر رمضان المبارک مکه معظمه حضرت شاه صاحبقران خلد الله له و سلطانه از طاهر جاجرم آهناض فرموده پسر
 خراشا از چارده خاص که در راه است فرسخ و از مغرب شرق در جلگه واقعست که کفرسخ و نیم الی دو فرسخ عرض آن باشد کفرسخ از جاجرم
 در حوالی راه در طرف دست چپ عه زمان آباد در طرف شمال جلگه سلسله کوه موسوم کسکتران کشیده شده است و این کوه در محاذی قلعه سفید
 که بعد از ذکر آن خواهد متصل کوه معروف بهار میگرد در سمت جنوب رشته کوهستان جوین و سبزوار و یو بورت ادا یافته در جانب جنوب
 جلگه معدن کمیت که چهار پنج فرسخ طول است و آما لی جاجرم ازین معدن بکرکان مازدران و بجنورد و قوچان مک حمل میکنند در و
 چاه آبست از قناتی که از دهن کوه کسکتران پیش از اینها بجلگه جار نموده بوده حالا آن قنات بایر و فقط این یکچاه را برای آب خوردن
 شقیه کرده اند کفرسخ از این چاه گذشته حوضی است موسوم تجو ص جاجرم که آب باران آن جمع میشود و بکار ترودین میآید از حوض جاجرم که کفرسخ
 طی مسافت بینا در طرف دست راست دو از خط راه قلعه موسوم قلعه سفید است که حالا بایر شده و در طرف دست چپ کفرسخ و در از خط راه در
 کوه بهار قریه جریب است که نهاد خانوار سکنه جام و مسجد کور و نسائی دارد و آبش از قنات از جریب گذشته در کفرسخی خراشا در طرف دست راست
 در بالای تلی قریه خضر آباد که از جعفر قلینان شادلوخت و حالا زیاده از پانزده خانوار سکنه جمعیت در آن سکنی انداز و آب آن از نهیست که از
 شوغان بمنجیل جاری نموده اند جلگه چارده خاص از جای که کوه کسکتران نتها رسیده و ابتدا بکوه بر نموده شروع کرده و کوهی که در شمال این جلگه
 موسوم بصعلوک میباشد در فصل بهار این کوه برف میخورد و کوه طرف جنوب بمان سلسله جبال جوین و سبزوار و یو بورت
 و کوه بهار در شمال غربی و مغرب این جلگه واقع و قریه خراشا نیز در طرف شمال غربی این جلگه میباشد این کوه یکی از قناتی ربعه چارده خاص و آبش از
 رودخانه شوغان از قنات و دارای قلعه که مثل برهشت است اوصد پنجاه خانوار سکنه دارد که شصت خانوار آن سادات حسینی و باقی بومی
 و دو باب مسجد و سه حسینیه و جامی در این قریه است و بان معتبری چهار آسیا دارد در آخر باغستان خراشا بقعه محکمی است از خشت و گل معروف
 بمقبره خواجه خاموش در طرف جنوب جلگه چارده قریه است خاص میباشد که آن نیز یکی از قناتی ربعه است سکنه این قریه تقریباً بقدر خراشا و



باغستان آن خیلی شیرست آتش از رودخانه شوغان قنات و اما فراده دارد که بقول اهالی فرزند حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و موسوم برین عبادت
یکی دیگر از قرای رجه پاره اندغان است در سمت مغرب خاصه رای شصت خانوار آبادی قلعه محلی مشتمل بر شش برج که در بالای تلی قعست حاتم
و حسینیه مسجدی دارد باغستان آن قلیل آب آن منحصراً بری از رود شوغان است یکی دیگر از قرای پاره تذر است آب این قریه نیز از رود شوغان
و سکنه آن بیت خانوار است نیز از قرای این ده قلی است واقع در دهانه کوه موسوم بهمین اسم که قسمتی از صعلوک میباشد این قریه در اینجا خانوار
آبادی باغستان آتش از رود شوغان چشمه و قریباً در غیر سخی این قریه باطلی است موسوم بر باطلی در کمال مسافت و حکام بنای آن سنگ است خار
و کج خالص و درخت این بنا هیچ فرو گذاشت نشد کتیبه بخط ثلث بسیار خوش و بالای بروی سنگ سخت کبودی ری نموده که بعضی
باقیت و لی تاریخ بنا که صلت یخته شده این بنا از آبنیه قبل از صفویه است و ظن غالب آنکه در زمان آبادی کان این باط و بعضی باطات دیگر در آن
که از خراسان بکرکان مجبور بوده ساخته شده است باجمله از قرائی کوره بعضی مزارع و آبادیهای دیگر است که آنها نیز متعلق بچهارده است امروز در بین راه
مترین کاب اصلی چند راس کور خراشکار کرده و یک راس کور خراشکار کرده و یک راس کور خراشکار کرده و یک راس کور خراشکار کرده و یک راس کور خراشکار کرده
از طهران پست است و غالباً بادهای سخت در محل میوزد روز یکشنبه شانزدهم در خراشا اتراق شد

روز دوشنبه هفتم حوالی قریه پربید مضرب خیام کردند و آن خشم خروانی کرد از خراشا تا چهاربید تقریباً چهار فرسخت راه به از شمال جنوب
و پس از طی مسافتی قلیل در طرف دست چپ راه قلعه خرابه است که آنرا قلعه نو مینامند بعد از آن داخل دهنه میشوند که اگر کو صعلوک و کوهها تشکیل یافته
از دهنه که خارج شد قریه کرف یا جرف در دهنه کوهها دیده میشود آب این قریه از چشمه و سکنه آن دیت خانوار و رود شوغان نیز از ارضی فرو رفته است
قدری که از اینجا گذشت باز کو صعلوک و کوهها بهم نزدیک شده و قریه در دهانه کوه صعلوک بنظر میآید که آنرا در بند میکنند سکنه این قلعه تقریباً چهل خانوار
و باغستان کمی دارد از در بند گذشته راه از مغرب بشرق میل و ممتد میگردد و پس از طی مسافتی در طرف دست چپ بقعه است که بعضی مردم
این ناحیه را فراده بر اسم موسی کاظم علیه السلام در این بقعه مدفونست در پهلوی اما فراده تپه مرتفعی است و آثار قلعه خرابه در روی تپه نمودار است
در طرف غربی تل مذکور چشمه است که پشت به سنگ آب آن جاری بدو تپه بین کو صعلوک و کوهها میریزد و سطح جرف میرود اینجا ابتدای جلگه شوغان
که از جنوب بکو صعلوک و از شمال بکوه آلا داغ محدود است درین جلگه چند آبادیت یکی قریه جوشقان که در دست چپ راه در دهانه آلا داغ واقع
و دیگر قریه شتوان که آن نیز در همین طرف است پس از آن قریه دو برجی و قریه بام و قریه جندار و قریه تور که در طرف عین راه و در دهانه کوه
صعلوک است و دیگر قریه شوغان که در طرف سیار راه واقع و با اسم جلگه معروف است و از اینجا جلگه سنگ فیل دره شده و منتهی بقریه محمد آباد
میکردد که آن نیز در طرف دست چپ راه است و قریه چار بید که از ارضی آن مضرب خیام معنی گردیده چهل خانوار سکنه دارد که همه
شاد و خوشبختند ارتفاع چار بید از طهران دویست و پنجاه ذراع است



روز شنبه سید محمد از چار بید شریف فرمای قریب هوزه گردید و آنچه فرسخت و بعد از آنکه از مزارع چار بید خارج شد از میان تنگه که از تلال
کوچه صعلوک و کوه آلا دناغ تشکیل یافته میگردد در نزدیکی تنگه سه مزارع است موسوم بحصار و کتلی و کلاته شیرین در اینجا بانسرن بی زر شک بی می
میشود و کوهها دژت او رسد و چون نمفرنج از دهن تنگه مسطوره گذشت بگذر صعو دین نمایند که موسوم به خشک زو میباش (ز و بمعنی دره)
همیکه نمفرنج بالا رفت بطحی می رسند که معروف بخت خانت قدری کم از اینجا گذشت بعضی بادیهای دهنه کوچه صعلوک که در طرف دست راست
راه است از دور دیده و آن بادیها موسوم به گریوان و حصار شاهور بخان خستیان و نیسانه است و آب این از چشمه عین لطف است که از پایه
کوچه صعلوک جاری تقریباً در ابتدای میان بستیک آب دارد و از جنوب بطرف شمال شرقی روان عین لطف در اصل عین لطیف بوده از کثرت استعمال
عین لطف شده این آب بفیروز آمده و بطرف بخجور میرود قدری دیگر که طی مسافت شد بدتره تنگی می رسند که عرض آن با اختلاف اندک از جا
فرع الی ده ذرع است و زیاده از صدیچ و خم دارد بقریه فیروزه میرسد فیروزه دهکده ایست آباد دارای باغات زیاد و دو خانوار سکنه و مسجد و
امالی گرد و لو هستند که زبان آنها ترکی است ابریشم لمی در آنجا بعل میاید امروز در بین راه قناب کن لدوله حکمران خراسان و میان بامششارا
پیش از آن تقبیل کباب علی مشرف گردید بمراحم خاصه سروانه مهابی و مشمول گردید فیروزه یکصد ذرع پست تر از طهران است

روز چهارشنبه نوزدهم مکتب فرخنده کتب شایسته بنام غفره دام ملکه از حوالی فیروز تنهاض که نطایر بخجور و نزول جلال فرمود راه قریب
فرخت خط راه در طرف شمالی جلگه واقع ورشته کوه صعلوک در طرف جنوبی و سلسله کوه الایع در طرف شمال است در طرفین بعضی قرا و قلاع است
که اسامی آنها ازین است قلعه کچلانی قلعه محمد خان قریه ترانلو قلعه قلیجانلو کلاته بلان قلعه تپه قلعه قنبرلو قلعه قرا باشلو قریه شاه
قلعه الله وردخان حصار شیر علی بیک قلعه غریز و کلیه این قرا و قلاع دارای بهمان آب آنها از رودخانه است که از چشمه عین لطف جاری
است اما شهر بخجور که در نواحیت و کتب بزرگتر و مینویسد در جلگه واقع شده که طول آن از شمال غربی مشرق تقریباً دو فرسخ و عرض آن قریب یک فرسخ است
جمعیت آن هزار نفر و دارای پانصد و شصت باب کان شش مسجد و هفت حمام و یازده محله چهار است و از آنجا که شرح این مبلده در کتاب سفرنامه بیانی که در
خبر اثر سال هزار و دویست و هشتاد و یک نگاشته شده و در جلد اول مرآت البلد آن بصری مسطور است و بعد از این مفصلاً نوشته شود در این فصل مختصراً بیاوریم ارتفاع بخجور
مثل طهران

روز پنجم و جمعه بیستم یکم شنبه بیست و دوم و کیشنه بیست و سوم و دوشنبه بیست و چهارم در بخورد اتراق شد و از آنجا که یار محمد خا ساهام الدو
اینها فی شان لو حکمران بخورد و در حدت مکتب منصور شاهانه آید الله تعالی بنصره سعی انی وجد کامل عمل آورده نیز از طرز حکومت حسن سلوک او باریا
بخورد و خیاط خطیر بمایون آید الوصف راضی فرسند کردید مشارالیه را بابائی فسان و حامل امیر تومانی قرین مفاخرت و سر بلند می فرمود
نیز در بلده بخورد و زوال کارف سردارد و کسی که در حال تهافت داشت چون بار نمودت کامله دو تن ایران روس با جمعی از اصحاب روسی

باستدراک شرف حضور موجب ظهور شاهنشاهی ام ملکه مبادرت نموده و موبک مسعودیون را روز و پنجشنبه در استقبال کرده بود و مورد عطف
 کرده عطا بای یک قطعه نشان بجا یون در حقیقت یافت و حمصه بستان بهرامان مشارالیه نیز بهستیزات و غایات پادشاهی میل کردند
 در ایام اتراق بخورد چون نزال کازف نیز با حمصه بستان و بهرامان خود در این ناحیه قامت داشت شب بیت چهارم ماه عضد الملک ^{نواختن} خوا لارو
 مهر آثار و اینجانی این جلیل قاجار وزیر حضور مبارک مغزی الیه را بهرامان حمصه بستان و سی جمعی از امرای و ولایت علیه که شرف تهرام
 رکاب علی مستعد شدند دعوت نموده ضیافتی با شرفیات کامله نمودند و اینجانی از حیثیت سبب و لوازم و تزیینات و اغذیه و غیره طومر می پاشیدند
 که مزیدی آن متصور نبود و مثل ضیافتی معتبره که در بلاد و آرمینیا می نمودند با جمله بر کلیه عیون یا خوش گذشته در استحکام مبنای مودت و دوستی
 روس و ایران سلامت وجود علیحضرت شاهنشاهی و اینحضرت امیر طوکل ممالک روس خطابه های بیان قرائت شد مجلس مسرت و تفریحی ختم یافت
 روز بیت چهارم که روز پنجم اتراق بود بفرصت استان بجا یون رسید که امین سلطان زیر دربار عظم و خزانه عامه و مکرک که دارای غده عیدیه و مکر
 نیز بودند و بواسطه ناخوشی و نقابت از شاهر و داز راه معمول و آنه ارض اقدس شده در بین یعنی روز یکشنبه شانزدهم در منزل او وزن داعی حیا
 اجابت گفته بندکان اینحضرت بجا یون شاه خدایه ملک زاید الوصف متاسف کردند و از آنجا که خدمات مرحوم را الیه از خبری و کلی منظور نظر عا
 اثرش بانه بوده بر عایت و پاس خدمات امین الملک و له مرحوم مغزی الیه را بقلب جلیل امین سلطان ملقب فرموده کام مشاغل مغیره مرحوم
 امین سلطان با بیان راجع و مفوض فرمودند و دستخط جماع بجا یون بذل این عطف نسبت بامین سلطان جایه غایات مبدوله در حین
 باز ماندگان اولاد امین سلطان مرحوم از شرح ذیل شرف صدور یافت
 سواد دستخط جماع مبارک

چون امین سلطان تمام عمر خود را در رکاب با کمال صداقت و درستی خدمات شایسته بپایان انجام رسانید بر ما لازم بود که در عایت اولاد و خانواد
 کمال توجه و التفات مبذول داریم و چون امین الملک پسر او بالارث و الاحق باید در جای آن مرحوم باشد و مشغول خدمت آئند القاب امین السلطانی
 و تمام مناسبتی از خزانه و مکر خانده و غیره و غیره آن مرحوم داد بدون استثناء بامین الملک مرحمت میفرمایم و باید از همه اولاد و کارهای آن مرحوم
 نماید و بهمان نظم و قانونی که بود برقرار باشد و احدی تخلف نکند از این حکم امین سلطان جایه از امر و زبانه بعد از تمام خدمات محوله بآن مرحوم است اگر
 ذره کوتاهی از خدمات سپرده بخود بکند مورد مواخذه خواهد شد تحریر ۱۳۰۰ قوی میل در بخورد

چون کارش مشاغل مناصب امین سلطان حوم و تفویض کلیه آن بامین سلطان جایه و طیفه روزنامه و تلوی ایران آن شرح را با دستخط بجا یون که
 تخصیص در باب شرف و قیام آنرا الله مطالعه کنندگان روزنامه مبارک فرموده ملاحظه خواهند نمود
 و موجبات بخت
 صنع الله وله وزیر انطباق





روز شنبه بیت پنجم رمضان موكب خنده كوكب عجلت بایون شاه خندانده ملكه و سلطان از ظاهر بخبر تهاض فرموده حوالی نود
مضرب خیام گردون خشم سلطنتی کرد راه تقریباً از مغرب بشرق چهار فرسخت تا یک فرسخ از سه رودخانه عبور میکنند رود عین لطف و رود
جرمغان رود بازخانه که زیادتی آب این رودخانه باب عین لطف منحنی شده از دهنه موسوم به بابا امان بجلگه گر مخوان (جرمغان)
رفته از اینجا آب تبار دجل میگرد پس از طی قدری مسافت در طرف دست راست جاده قریه موت یا سید است که چهل خانوار گرایلی شادلو در آنجا
سکنی دارند قدری که از اینجا گذشته دره چار آن است که تقریباً هزار ذرع عرض آن میباشد در این دره در دهنه کوه غربی قریه است
بفتلاق که سکنه آن نیز شادلو و گرایلی و شتاد خانوار میباشد قدری از فتلاق گذشته در طرف شمال دره و در دست چپ قریه کوک کمر است
که باغستان معتبری بر قسم میوه حتی پسته درخت دیده میشود بعد از آن چشمه کالنگ است و در نزدیکی آن چمنی است معروف به النگ یورت پس
از آن طرف همین دره طویل است که در انتهای آن قریه بنوعی شباهت این قریه در دهنه کوه سختی است که شجر با شجار اورس میباشد و چشمه از دهنه
کوه مزبور جاریست که این قریه و دره را مشروب میزند و در بالای کوه ما فراده است موسوم بشاهزاده سلطان ابراهیم از محاذی این دره که نشسته دره
خط راه در آن اقصیت و سمت یافته در طرف دست راست راه در آخر دره روی تلی سنگی قریه چار آن بخبر است که باغستان آن تا کنار راه منبسط
این دهنه دارای شتاد خانوار سکنه شادلو و گرایلی و حمام و مسجد و حسینیه است و در جنب قریه از زیر سنگ در امتداد پنج شش فرسخت
سنگ آب سرد کو را خارج میشود و چار عظیمی که از غرس آن تا کنون بیش از دویست سال است بر سر چشمه دیده میشود و چار دیگر نیز در نزدیکی
که بهین جبهه این چشمه و دهنه را چشمه قریه چار آن میگویند آب چشمه چار آن آب نوده که بعد از ذکر میشود یکی شده چاکله اشار نمودیم که چار آن
رفته بنهار منحنی میشود در چار آن سلسله کوه شمالی موسوم با جان و سلسله جبال جنوبی آن مشهد است که چون از چار آن گذشت دهنه آنرا افزای
دشت قزاقی آنست نیم فرسخ از چار آن گذشته قریه نوده است که یکی از قزاقی اربعه بلوک چار آن میباشد و زیاده از دویست خانوار

آبادی و کباب حمام و مسجد و حسینیه دارد رودخانه نوده از چشمه تشکیل می یابد که آن چشمه با اردستان آق مشهد جاری می باشد
ارتفاع نوده مثل بخورد است باجمه در این ذرا میر حسن خان شجاع الدوله بخانی و غیره حکمران قوچان بنابر فرمود قوچانی که همه در کمال
آراستگی بودند بیل کباب طغر نصاب علی مستعد شسته مشمول عواطف سینه خسروانی گردید
روز چهارشنبه بیت و ششم موکب مسعود همایون از نوده بخالی زوارم تشریف فرما گردید راه دو فرسخ و از مغرب مشرق تقریباً در حلقه
پس از طی کفرینج راه کوه قراقیه واقع در شمال که در دست چپ راه است با تها رسید و رشته کوه دیگر موسوم به آق قریغی بدین می پیوندد
قدری که از اینجا گذشته است کوه طرف مقابل معروف به قزاقی که در سمت جنوب همین راه است نیز با تها رسید و دامنه دیگر از لوله آق
مشهور تخت میرزا شروع می شود باز قدریکه راه پیوندد میرسد تقریباً کوه چاک شور که در دست چپ واقع و تقریباً ده خانوار سکنه دارد و این تقریباً
حد و فاصل خاک بخورد قوچان است و خزان بکده امروز در طرفین راه پس قسم آبادی نیست اما زوارم که بمعنی دره آرم است بکده ایست می خیزد
از غریبه و بومی چهار صد خانوار سکنه دارد بومیها ترک قمری از فارسی قمری مرو آمده اند و اصلاً ترکمن می باشند دو باب مسجد و یک حمام و دو دروازه
قافله انداز در این آبادی است و در میان آن تپه ایست مصنوعی که در قدیم بالای آن قلعه بوده آثار آن الآن موجود است و خانه های بادی چای
دور تپه ساخته شده است آب اینجا از چشمه سار است و کمقصره حاصل عده این صنفیات بر ششم می باشد ارتفاع زوارم مثل طهران است و
در کمال خوبی می باشد روز پنجشنبه بیت و هفتم در زوارم اتراق شد

روز جمعه بیت و ششم موکب طغر کوکب شاهانه از زوارم تشریف فرمای شیروان گردید خط راه از مغرب مشرق و فیما بین دو کوه است
که اغلب از هزار ذراع الی دو هزار ذراع فاصله بین جبلین می باشد نیم فرسخ از زوارم گذشته در دست چپ راه کوهی است بالنسبه
مرتفعتر که از دور مخروطی بنظر می آید این کوه را امانی کوه سار می نامند زیاده از کفرینج که از زوارم گذشته در طرف سیار راه بقعه معروف
به مشهد سلطان محمد رضا می باشد و آن بنایی است از آجر و گچ و خاک شستل بر ایوان و دوا طاق که در جنبین ایوان است و بالای طاق
همین بالا خانه آباد و قرینه آن بالا خانه خراب است و در بیرون بقعه ایوانچه برای مسکن عابرین تهر داده اند اصل بقعه مربع مساوی الاضلاع
و ارتفاع بقعه که منتهی می گنبدی می شود هشت ذراع است بالای قبر صندوق چوبی مشکلی است که در سال هزار و دویست و دویست و پنجاه
ساخته شده و در صندوق سلام و صلوات و اشعار چهارده معصوم منسوب به شیخ بهائی علیه الرحمه تا آخر کتیبه شده است در نزدیکی
اما مراده بعضی انبار و خانه سینه ستونی است از قرازد کور قریه مشرقی که در اصل مشهد طرحی بوده در بالای سرب این اما مراده در طرف
شمال بقعه بوده و مؤید این قول آثار شهر یا قصبه ایست که در محل فرور دیده می شود بعد از بابت آب مکان این آبادی نقل به ثبت شد



در طرف جنوب غربی بقعه و قست نموده و آبادی اینجا را و بانه نام گذاشته است و مشرقی حایه دارای شصت هفتاد خانوار سکنه و بستان
زیاد است و اما فراده مذکور بقول مشهور برادر حضرت امام رضا سلام الله علیه است ولی سندی لی آن درین باب بدست نیامده است
نیم فرسخ که از اما فراده گذشته جلگه وسیع شده در طرف دست راست و در از خط راه قریه زرمقان است که زیر جلیان اقصیه و جلیان
از قرای معتبره این ناحیه است و از قرار تقریر امانی یکوفی شیروان از توابع جلیان بوده است در هر حال از مقابل زرمقان که تقریباً
خانوار سکنه دارد و راه بطرف شمال منحرف میگردد و پس از ربع فرسخ در طرف یمن به قریه قنوان است که پنج شش سکنه آب از چشمه دارد
و قلیل آبی هم از رودخانه جلیان به قنوان آمده بجانب شیروان میرود و صد خانوار از ایل کرد سیوانلو در قنوان ماکن سلاقی و قشلاقی دارند
اما شهر شیروان قصبه بزرگ است که تقریباً هزار و پانصد خانوار سکنه و قلعه دارد و مثل برج و بهمن ناسب دکانین و ساجد و حمام و حسنه
و سایر لوازم شهری آن موجود و مشهود است در طرف مغرب در خط بلد تپه است مصنوعی که نارین قلعه بلد بوده ارتفاع آن از سطح شهر
پنج ذرع و قطر تپه از بالا از طرفی صد قدم و از طرف دیگر شصت قدم میباشد که طرف جنوب شرقی موسوم بقراول چکه ویش قاردهش و پهلوی
قراول چکه در طرف مشرق کوهی است پست که از آن آغز قوق لی میسازند پائین تر از کوه آغز قوق لی کوه چقاق و پست آغز قوق لی
کوه بلند موسوم بشاه جهان است کوه طرف شمال شیروان معروف بکوه یقی است که قرای سکه و یغن که در اصل باغان است و قریه یقی
در زیر این کوه میباشد در طرف شمال ایل مغرب شیروان کوهی است مشهور به تپکه کوه و در طرف مغرب کوه آجان است که نسبت
و کرمخوان امتداد دارد در طرف مغرب ایل جنوب کوه مختصر است موسوم به آوج قاردهش که بالای آن اما فراده است و در زیر آن
معروف بقراول میسازند رودخانه شیروان که از سمت جنوب شهر میگذرد و سر چشمه آن از نزدیکی در کزورادکان از پهلوی قلعه
ایک و تبرک است و در فصل بهار تقریباً بیت سکنه آب رود و در پاییز کمتر و در تابستان غالباً سه ماه خشک است و در زمستان بعضی اوقات
طوری پنج میسازند که از روی آن عبور میکنند از قرای مغرب شیروان آمده آباد است که چهار صد خانوار سکنه و باغات زیاد دارد
قلعه الله آباد بقعه است که معروف بشیخ مقدم میباشد و هات طرف مشرق شیروان تابع قوچان است و آب هات منبوره است
از رودخانه و بعضی از قنات و قلیلی از چشمه است نهی از میان شهر جریان دارد که اصل آن از قنات میباشد وضع شهر ابتدا مربع و مستطیل بود
و استطاله آن از مشرق مغرب و بعداً در طرف شمال در نصف کمتر از طول شهر قدری افزوده شده است در حوالی شهری است که
فصل بازندگی از آن میل جاری شده اکثر باغات شهر را مشروب میاید ارتفاعات شیروان غله و سر دختی و صیفی کاری از خربزه
و هندوانه و پنبه و غیره بسیار ارتفاع شیروان مثل طرانت و راه از زوارم تا شیروان فرسخ میباشد



روز شنبه بیت و نهم موکب منصور شاهنشاهی آید نه تعالی بنصره اش و ان نهضت فرما کردیده قریه برزل آباد مضر خیم هشتم
سلطنتی کردید راه سه فرسخ و از مغرب مشرق در جلگه است که یکفرسخ عرض آن میباشد تقریباً بعد از طی یکفرسخ راه در طرف دست چپ
قریه امیر آباد شجاع الدوله است که پانزده خانوار سکنه دارد و آتش از فوات ازین قریه گذشته در طرف راه آبادی دیده میشود
بعضی فرای شیروان که در دهانه کوه شمالیت و ذکر آنها در شرح شیروان شده است و در سمت راست دور از راه قریه
که تابع قوچان میباشد و صد و پنجاه خانوار سکنه دارد و آتش از چشمه و تپه مصنوعی درین دهکده است قریب به دوازده واقعه و قدری کوه
از نعل مصنوعی شیروان بالای تل مثل تل شیروان سطح است و دور آن سطح چند سال قبل دیواری کشیده و برزل آباد صد خانوار
جمعیت دارد و آتش از فوات و از رودخانه که از قوچان می آید در مقابل آبادی برزل آباد آثار قلعه بزرگ مربعی است که امالی از آن تپه میگویند
علامه بروج در آن هست و آثار آبادی یافت میشود ارتفاع اینجا نیز با طهران مساوی است

روز یکشنبه غره شهر شوال که عید رمضان است موکب فرخنده کوکب خسروانه از برزل آباد تشریف فرمای چمن لیلی کردید راه سه فرسخ و از مغرب
بمشرق باز در جلگه وسیعی است که زیاده از یکفرسخ عرض دارد بعد از نیم فرسخ راه در طرف دست راست قدری دور از جاده قریه فیض آباد
که تقریباً سی خانوار آبادی دارد و آتش از رودخانه است که از قوچان می آید کوه شاه جهان در طرف دست راست است راه و زیاده از نیم فرسخ
از جاده دورا در زیر کوه شاه جهان فرای میوان و سنگی و خیر آباد و سیاه دشت و چیره و دیان از دور دیده میشود نیز در همین طرف در نزدیکی
راه قریه برگراست که دارا پنجاه خانوار سکنه و آتش از فوات میباشد در طرف دست چپ راه که سمت شمال باشد یک رشته کوه نامحاذی
کشیده است که آنرا از موکب کونیند و اصل آن امرود و لومیس باشد بعد از آن رشته کوه دیگر است موسوم بشاه داغی و چند قریه زیر این کوه
از جلگه نجف آباد که زیاده از صد خانوار سکنه دارد و سعد آباد و خواجه آباد و جهان آباد که تازه آباد شده و کل با دام و حصار که پنجاه خانوار سکنه دارد
و آن باغ که آبادی آن بقدر حصار است و خوشان کهنه که آن نیز دهکده است با صد خانوار رعیت آب با دانه های مبروره از قیاس
نیم فرسخ از برگرا گذشته در طرف سیار و صل برآه قلعه خرابه است که بروج و خندق معتبری دارد و آنرا اعلی آباد خرابه کونیند قدری از علی آباد که
قریه یام است که وصل چمن لیلی میباشد سکنه آن تقریباً پنجاه خانوار و در نزدیکی آن تپه مصنوعیست معروف بیا م تپه از یام تپه گذشته
چمن لیلی است که در این نواحی کثرت لیلی میگویند و چمن بسیار وسیعی است نیز در اوایل همین چمن دهکده کوچکی است موسوم بغرقاب که بعضی
باغ و باغین دارد ارتفاع اینجا نیز مثل منزل سابق است

روز دوشنبه دهم شوال ظاهر قوچان مضر خیم هشتم سلطنتی کردید راه از مغرب مشرق دو فرسخ و در جلگه وسیعی است و بعضی

سپه پاشی عشقوی دور از خط راه دیده بود حریب بکنج کج که از چمن سیلی دور میزند قریه در خط راه است موسوم بمرغزار بادی سکنه آن چل خانوار است
از قنات قدری از آن گذشته در طرف یار راه اما قلعه خرابه نمودار است که به مصنوعی وسط آن دیده شود و این قلعه را حکم آباد میگویند
باز قدری که طی مسافت نمود قریه اثر آباد است که خط راه از میان آن میگذرد و قریب بخانه خانوار سکنه دارد از اینجا گذشته بهستان
توچان که اغلب رستوران میباشد توچان که در اصل خوشان است مغول آنرا توچان میگویند و باین اسم معروف شده از شهرهای
معتبر کردستان است پنج شهر از خانوار سکنه دارد آباد کاین بازار معتبر و قلعه که دارای چل برجست و بیت باب مسجد و حمام
و اما مراده بسیار معتبری معروف بسلطان ابراهیم که از قرار مذکور فرزند حضرت امام حسن علی ابن موسی الرضا علیه لاف التحیه و التهنیت
عمارت عمده این مراده بقعه است بسیار عالی که بواسطه زلزله عمده منهدم گردیده و شجاع الدوله اینجانی و والد او مرمت و تجدید
عمارت نموده و الان هم مشغول ساختن کسبند میباشد و چون شرح این بلده در سفرنامه مبارکه که مشهد مقدس در سال هزار و دویست و شصت
که تعلیم منجر رقم مبارک نگاشته شده مطبوع و بعد بمیر فضل نگاشته میشود در اینجیل همین قصار میبایم ارتفاع توچان بطهران میست
روز سه شنبه سیم شوال و چهارشنبه چهارم در توچان اتراند و محض ظهور مراسم خاصه ملوکانه در باره امیر شیخان شجاع الدوله اینجانی
حکمران توچان که در حداثت موکب ظفر نشان مساعی موفوره و استقامات لایقه نموده بود مشارالیه را بمنصب حلیل امیر تومانی خلعت مهر
طلعت بهایون مفتخر و مباہی فرمود

روز پنجشنبه پنجم شوال موکب مسعود بهایون از ظاهر توچان تشریف فرمای علی آباد گردید راه چهار فرسخ و از مغرب مشرق در جلگه وسیعی میباشد
کوه طرف شمال که درین راه است موسوم بقراول میباشد و چندان ارتفاعی ندارد در پشت کوه قراول همان امتداد کوه دو تخته است
کوه طرف جنوب که در همین است محمد بیگ مینا و عرض فاصله فیما بین دو کوه تقریباً یک فرسخ است و ماتی که از دور در دهن کوه محمد
دیده میشود موسوم بنیت و چند آباد و زردان آباد و نوروزی و کلونجی و گلجه و مسابراج و کفیری و سر و میا و آبادی و کوه دو تخته
که بنظر میرسد مجری است آتیر در دهن دو تخته مقبره است که امانی از پیغمبر میگویند بکنج کج که از توچان دور میزند در طرف دست چپ
قدری در از جاده قریه فتح آباد است که تقریباً سی خانوار سکنه دارد و آبش از قنات و این فتح آباد همان فتح آباد خوشان است که در
تواریخ مذکور متقل نام در شاه است رودخانه موسوم برودخانه توچان که در اینجا دیده میشود و بطرف چپ جاریست در این فصل که اواسط
اسد است چهار سنگ آب دارد و در حاشیه آن میان کوه کاس در نزدیکی قریه نی میباش و کوه کاس در شمال کوه عمارت و در شمال
همین جلگه که خط راه در آن است واقع و رودخانه مزبور قریه کجادی قریه توگر و کردکالی میرسد بواسطه بعضی باها فرو رفته میشود پائین تر



از فتح آباد در بسیار راه و دور از جاده قریه بی بی است که شصت خانوار سکنه دارد و در عرض قریه بی بی فاصله یکمیدان قریه نذر آباد
و زیر بی بی قریه حسن آباد قدری دیگر که طی مسافت نمودند در دو طرف راه دو قریه است که هر دو موسوم بفرخان میشدند و هر یک
سی چهل خانوار سکنه دارند و اینها نیز تپه مصنوعی دیده میشود از فرخان گذشته علی آباد است که دارای شصت خانوار سکنه و مسجد جامع
و آب آن از رودخانه قوچان رعایای اینجا ترک جان قربانی هستند ارتفاع علی آباد از طهران یکصد ذراع است
روز جمعه ششم شوال از علی آباد تشریف فرمای سویمان گردید راه هفت فرسخ و از مغرب مشرق و همه جاد در جلگه بمواری و سببی است
در نزدیکی منزل که قدری پستی و بلندی دارد تقریباً یکمیدان سب از علی آباد گذشته قریه دیزه بان در خط راه است و پس از یک فرسخ قریه خفرا
که آن نیز در خط راه میباشد و دارای صد خانوار سکنه و آتش از قنات در دامنه کوه طرف جنوب که در همین است قلاع و قرای کبر آباد
و قلعه دلو و قلعه عباس آباد و قلعه دوقی میباشد در طرف دست چپ راه قدری دور از جاده قریه داودی است که سکنه آن صد خانوار
و آتش از قنات قدری از خفرا آباد گذشته در طرف دست راست فاصله یکمیدان از جاده قلعه خرابه است موسوم بحسین آباد
از اینجا که قدری طی مسافت نمود در همین طرف راه وصل جاده قریه دوست آباد است که شصت خانوار سکنه و مسجد جامعی دارد تقریباً
در سه فرسخی راه قریه یاساقی است که خط راه از وسط آن میگذرد و خاک قوچان بنقریه منتهی میشود و بعد از این قریه دیگر آبادیهایی
خاک را دکان از اعمال این ولایت است سکنه یاساقی تقریباً سی خانوار و تپه مصنوعی دارد کوه طرف شمال یاساقی موسوم بمکبوانلو است که امانی و کانی
تلفظ میکنند کوه طرف جنوب که دو تخانه باشد بعضی آنرا عفرانلو نیز میگویند قریب یک فرسخ بمنزل مانده در طرف دست چپ راه تقریباً یکمیدان و از
قریه موچان است که قریب چهل خانوار سکنه و باغستانی دارد و حوضی موسوم به شش حص این حوض از سنگ ساخته بوده اند ولی حالاً خراب
نزدیک سویمان طرف بسیار راه روی کوه تپه مانند مقبره است که امانی آن نواحی را بدان حسن عقیق است مخصوصاً در طلب اولاد و مدفونان
متبره را شایسته آنی گویند بعضی قبور نیز در حوالی این مقبره دیده میشود قریه سویمان چهل خانوار سکنه دارد که در قلعه ساکنند و مسجد و
دارند آب سویمان از دو کاریز است یکی موسوم به سویمان دیگری معروف به بزاغلان کوهی که سویمان زیر آن واقعست در طرف شمال
آبادی و موسوم بعبادت میباشد و پشت این کوه رشته کوه معتبره است و اسم این کوه را کلن استوار و ایلکی در نقشه خود بنوا
ضبط کرده گویند در این کوه خانقاههای عدیده معتبره بوده و قدامت بسیار دارد که سنیا خان ملک بطلب آن کیهانین صفیات
میآیند درخت اورسن دین کوه بسیار است و رشته آن تا زیر رادکان کشیده و کوه طرف مقابل چنانکه ذکر شد موسوم
به دو تخانه و هر قطعه از آن نیز اسم مخصوصی دارد ارتفاع سویمان مثل طهران است



۲۵
روزشنبه هفتم مویک بایون شاهی ام ملکه از سومان بجوالی رادکان تشریف فرما گردید راه کمتر از دو فرسخ و از مغرب مشرق است
و در خط راه آبادی نیست و بهین جهت درین راه حوضی از سنگ ساخته اند که سقف بوده ولی سقف آن حالا خراب است این حوض برای
آب است که آب باران آن جمع شود و بکار عابرین آید یکمیدان از سومان گذشته در طرف دست چپه قدری دور از جاده
گورستان است که چهل خانوار سکنه و حمام و مسجدی دارد و آبش از کاریز و چشمه بعد از آن بقیل فاصله در همین طرف وصل برآید
همکان است که حالا خراب و بایر میباشد و قریه خیر در همین طرف از دونهای است و اما مزاده دارد موسوم بشاهرا

امام حسن

اما بلده رادکان قصبه است معتبر دارای پانصد شصت خانوار سکنه و چهار هزار جمعیت و صد باب کالین یک مسجد بزرگ
و دو مسجد کوچک و دو حمام دایره قلعه که شانزده برج دارد و در ضلع طرف شمال شرقی شهر قلعه ارگ است که یازده برج داشته
با جمیع لوازم و شرح جمله در محل خود مذکور خواهد شد رادکان را رودخانه است که از دره واقع در شمال غربی جاری شده
و در جلگه رادکان بمصرف زراعت میرسد آب چشمه و قنوات نیز در این ناحیه زیاد است

از آثار قدیمه رادکان که محل ملاحظه است برج یا میل رادکان میباشد که در نیم فرسخی شهر و در طرف مشرق میل جنوب است
دوره میل از بیرون چهل متر و از داخل بیست و هشت متر و ارتفاع آن که هم از روی شماره آجر و هم بقیاس تخمینه سی و هشت
بقت معین است و پنجدرع و قطر دیوار از پایین دودرع و وضع میل از داخل شصت و از بیرون از سطح زمین تا دودرع و نیم تدور
شده بعد از آن مشتمل بر سی و شش ترک که هر ترکی بسط نیم ستون مدور تازی کسبند و در زیر کسبند دوره از کاشی و آجر
منبت شده و کتیبه بخط کوفی بوده که محو شده و ریخته و مشکوک است که آیا خط بکاشی بوده و متن آجر منبت یا کسبند است
بشکل مخروطی این میل دو طاق بالای هم داشته طاق زیرین آب شده است و در طرف و جنوب میل مشرق هم بواسطه
کفاف و خرابی کمی دست داده و با وجود این شکاف که خیلی از استحکام آن کاسته باز قرنهای آمار این بنا باقی خواهد ماند این میل را
داست یکی رو مشرق میل جنوب و دیگری در برابر آن که رو بمغرب میل جنوب می شود رادکان تقریباً دو ست ذرع از طرف
پست تر است

روزشنبه هشتم مویک بایون خسروانه از رادکان تشریف فرمای چشمه کیلاش راه شش فرسخ و از مغرب مشرق است
ولی قدری بطرف جنوب میل میباشد که فرسخ از رادکان گذشته بچمن کو باغ میرسند و این بان انگ معروف بان



رادکان است که در وسعت و حضرت مشهور میباشد پس از آن در طرف جنوب شرقی رادکان دو فرسخی این بلده چاراد
و چاراد رودخانه دارد که سرچشمه آن در سعید آباد و در کوه اخله از کوه دولخانه است که در طرف جنوب غربی رادکان
میباشد و این رودخانه ملحق بکشف رود میشود و سرچشمه رود کشف رود از چمن کو باغ و حوالی آن است از اینجا مشهد مقدس
قرا و قلاع بیکدیگر وصلت و نادر صفحه ایست که اینطور آبادی آن امتداد و اتصال یافته باشد بنابراین بیکدیگر را می
قرا و قلاع و مزارع نپرداخته در محل خود تفصیل مذکور خواهد شد

اما چشمه کیلاس در زیر کوهیست که در طرف شمال جلگه موسوم بهین اسم واقع و تقریباً پانزده سنک آب از آن
جاری بطرف جنوب یل بشرق و آن و مشهد مقدس میرود در پهلوی چشمه کیلاس آثار نهریست که آب چشمه کیلاس
را بواسطه این نهر بطرف مغرب میرود و در زیر این نهر بلافاصله آثار آبسیه دیده میشود نیز اثر نهر دیگر در چشمه کیلاس
که ازین نهر آب بطوس میرفته است در عهد شاه عباس صفوی این نهر متروک و آب شهر مشهد مقدس جاری شده است
این آب و از ده فرسخ راه طی میشود تا شهر میرسد قریه چشمه کیلاس تقریباً سی خانوار رعیت دارد کوهی که چشمه کیلاس
از زیر آن بیرون می آید نیز موسوم بکوه چشمه کیلاس است و کوه مقابل آنرا که در طرف جنوب است و دنباله دولخانه کوه
فیسا بور گویند چشمه کیلاس و دست ذرع از طهران پست تر است
روز دوشنبه نهم در چشمه کیلاس اتراق شد

روز سه شنبه دهم موكب هایون از چشمه کیلاس تشریف فرمای چمن قهقهه کرد و در نزدیکی چمن قهقهه آثار شهر طوس را
و بنای سلطنتی و غیره دیده شود که شرح آن در محل خود نگاشته شود همچنین شرح قلعه خرابه که موسوم بشهر قهقهه و وصل باین
و آثار آن نمودار میباشد

اعلان

بآبالی اردوی همایون اطلاع داده میشود در توقف ارض اقدس مراسلات خودشان را مستقیماً به پستخانه معمولی اردو که رست آن
با اسدانه خان است تحویل نمایند پستخانه شهر و این نکته برای آنست که قلمین کاب مبارک همیشه در مشهد مقدس میماند و چنانچه بخواهند
قلمه و امانات بدین قبض وصول نمایند باینکه باید موافق معمول پستخانه اردو داده اسدانه خان امسولند یا اگر به پستخانه مشهد
ار پستخانه اردو حق مطالبه اب و قبوض بخواهند در حقیقت هیچ

صنیع الدوله وزیر انطباعات



در غز قبل نگاشته شد که روز شنبه دهم شهر شوال المکرم موکب فرخنده گوکب علیحضرت شاهجه خسرو صاحبزاده جلالت
تشریف فرمای چمن قهقهه کردند در این روز علمای اعلام ساکن شهر مشهد مقدس کثرتاً تعالی ما لهم بستانقبال مقدم بخت ششم
حضرت ظل الهی مبادرت نموده بشرف حضور معدلت ظهور بهایون یل و لطاف مکارم شاهانه مستظهر گردیدند
روز چهارشنبه یازدهم موکب بهایون از چمن قهقهه تنهاض فرموده حازم ورود اراض اقدس شهر شریف مشهد مقدس کردند
قبل از ورود موکب مسعود شاهانه قشونی که در کاب ظفر نصاب اعلی بودند بحسب امر قدردار پادشاهی از توپخانه و پیاده
کلاً بالسمیه داخل در صحن مقدس شده احترامات نظامی را بعمل آورده و بیرق خوابانیده پس از قیام بر سر تعظیلات
در برابر مرقد مطهر بارود و محمل اقامت خود معاودت کردند

ذات ملکوتی صفات خسروانه در بین اه پس از صرف نهار سواره بغرم شهر حرکت فرموده نواب کنالدوله و مستشار الملک که
از زادگان برای انتظامات عمل شهر و غیره از کاب مبارک مرخص شده بودند در اینجا با شاهزاده احمد میرزای معینالدوله و سایر
و علیق میرزای پسر کنالدوله و سایر شاهزادگان و امرای متوقف خراسان بر کاب مبارک شرف گشته تمام اهل مشهد
از آداب قلم و اهل شمشیر و سرکردهای سواره پیاده کل طوائف خراسان بستانقبال کاب مبارک آمد بحضور محبت ظهور
بهایونی تشریف جسته شش ساعت بغروب مانده سواره از دروازه بالاییان داخل شهر گردیده فوج توپچی شرفانی و شقایق کبری
عسکرخان فوج شقایق قراجه داعی بسرکردگی آمان الله خان سرهنگ و فوج فیسوز کوهی بسرکردگی اسمعیل خان سرتیپ باکویی
ساخو مشهد داخل شهر صف کشید از نظر ملوکانه گذشتند پانصد قدم بحریم اول آستانه مقدسه ماند و از اسب پیاده شدند داخل
آستانه گردیدند ابتدای صحن تمام خدام و سرکشیکان در بانان آستانه مطهره علمای سرکار فیض آثار جلوه آوردند

بندگان اینحضرت شایسته ای با کمال احترام علم را بوسیده جلورزند با خضوعی کامل و خشوعی ظاهری که کاشف از عقاید طاهره کانه
بصحن آقدس و رود فرموده پس از زیارت آستان ملک پاهان حضرت ثامن الائمه و ضامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام
التحیه و استناب بجرم مظهر شرف گردیده بر اسم و آداب زیارت پرداخته در ادای صلوات و تسلیات و ادعیه خیریه بجهان استقامت
و ضراعتی که از احاد نامس بلکه از افراد خواص مثال این مواقف و اماکن شریفه مشهود است از وجود مسعود مبارک بدرجه شریف
بعد از آن بسیر مقبره نایب المصلی مرحوم تشریف برده پس از خواندن فاتحه با احترامی ناشی از ملکات قدسیه خسروانه بهمارت
دولتی مشهد مقدس واقع در ارک تشریف فرما گردیدند

روز یکشنبه دوازدهم و جمعه سیزدهم بیشتر اوقات فرخنده ساعات بهایون مصروف زیارت و توجه در مهم امور ملکی
و دولتی و ملاحظه عرایض و مطالب و زرا و غیره کردید

روز شنبه چهاردهم برای عصرانه باغ آصف الدوله که وقف بر حضرت آستانه مقدسه است و بهکام تولیت میرزا ^{سعدخان}
مؤمن الملک وزیر امور خارجه در آن باغ خوشخانه و بناهای عالیله محکم ایجاد کرده است تشریف فرما گشته نواب رکن الدوله
و تمام اعیان امرای مرمین رکاب نصرت نصاب و اعیان امرای متوقف خراسان و تجار ساکن مشهد بریاست حاجی ابوالقاسم
ملک التجار برادر حاجی محمد حسن امین را بضرع مقیم طهران که از جانب نصیر الدوله وزیر تجارت و فلاح رئیس تجارت است
بخصوص ساطع النور بهایونی تشریف جسته بیکان بکایز نواب رکن الدوله معرفی کرد سردار محمد باستان پسر سردار محمد شریف
که از اجله و بزرگان افغانستان و داماد امیر شیرعلیخان است و بسیار جوان قابل عاطفی است و مدتیست که در ارض
افس عیال و منتبان متوقف است و در اردکان باستقبال رکاب مبارک آمده بود امروز هم اینجا بحضور حاج
و سرکار بندگان آقدس بهایونی با مشارالیه تفقدات ملوکانه فرمودند و همچنین سردار محمد موسی خان افغان و دامیر محمد بک
نواده امیر شیرعلیخان مرحوم و سردار احمد علیخان و لد مرحوم سردار محمد علیخان نواده مرحوم امیر شیرعلیخان قاضی
افغانستان و چند نفر دیگر از بزرگان و امرای افغانستان از فیض حضور مکرمت ظهور شایسته شرف اندوز گردید
بر اجم خاصه ملوکانه مستظهر و مباهی گردید پس از انقضای سلام زیارت آستانه مقدسه مشرف گشتند

روز یکشنبه پانزدهم محض نعل عاطفتی خاص و مکرمتی مخصوص بآره نواب رکن الدوله حکمران خراسان و سیستان بمنزل نواب
مظفر تشریف فرما گردیده صرف نهال فرمودند و از آنجا که نواب رکن الدوله در پذیرائی قدوم فرخنده لزوم مبارک شایسته



تعطیلات ذات کمال لصفیات شریاری دادم ملکه و سه ایام نمودن بوجبات آسایش خدام آستان بجهایون
درجه مبالغت و استقام نموده بودند بسیار بوجود مسعود خسروانه خوش گذشته ثواب معظم را بتوجبات خاطر خیر الهام پذیر
علی حضرت پاشای عزیت اختصاص غایت فرمودند در این روز حشمه الملک امیر قاین و سیستان بعماد الملک و کل طلس
و دو پسر پاشا که برای تشریفاتی آستان بایونی از قاین و طلس آمده بودند بحضور محضر ظهور بایونی مشرف گردید هر یک
مورد نفقات ملوکانه گردید و همچنین سیغلی خان قرائی سرتیپ فوج قرائی که با فوج خود آمده بود بحضور معرفی شد از
انجام برضیانه سرکار فیض آثار تشریف فرماشته تمام طبای رگابی و طبای مریضخانه و مشهد حاضر بوده انجارا با کمال
نظم و انتظام ملاحظه و مشاهده نمود ریاست مریضخانه بعد از شام برادر شیخ الرئیس و محمد هاشم میرزای معین التوابع
برادر شیخ الرئیس محول است هر دو حاضر و مورد مراسم ملوکانه گردیده از آنجا بزیارت آستانه مطهر مشرف گشتند
دوشنبه شانزدهم و سه شنبه هفدهم زیارت روضه مقدسه رضویه و مشاغل همه ملکی مشغول بودند

روز چهارشنبه بیستم علمای اعلام کثرتاً امثالهم موجب اشاره علیه در مسجد اللهوردی خان که یکی از ابنیه فیعه متعلقه بحکم
مطهر است حاضر شده بحضور محضر ظهور علی حضرت شاه شاه صاحبان غرض مشرف گشتند و ذات اقدس اعلی نسبت به
بذل توجیه مخصوص فرموده فردا بتلطفات و تفقدات طبع کریم شانمانه مشمول و مستعد داشتند بهم در این روز
قاطبه خدام آستان مقدسه عتبه عرش درجه رضویه که عدد آنها هزار و دویست و سی نفر بود از سان حضور معدلت ظهور
شاهنشاهی دادم ملکه گذشتند در این ایام ثواب جهان نور میرزا و الله قلی میرزای ایلیانی و سیف الدوله که قبل از ورود
موکب مسعود بایون از راه راست معمول بارض اقدس و مشهد مقدس مشرف شده بودند بخاکپای مبارک تشریف حبه
مورد عواطف سنیه گردیدند

روز پنجشنبه نوزدهم بعد از زیارت روضه مطهره بهام ملکی و ملاحظه عرایض و نوشتجات و زراود و ایرادات و تلی
که از دار الخلافه با بهره رسیده بود مشغول بودند

روز جمعه بیستم هوای شهر مشهد مقدس خالی از گرمی نبود موکب اقدس بایون بقصد توقف و اقامت سه شبه
فرمای ترقبه که از محالات و اماکن مستثنیه ییلاقی مشهد مقدس است گردیدند از شهر مشهد تا این ییلاق سه فرسخ است
روز دوشنبه بیست و یکم موکب مسعود بایون از ترقبه بشهر مشهد مقدس مراجعت فرموده لدی الورد و زیارت روضه



مقدسه رضویه سلام الله علیه شرف حبشه

روز سه شنبه بیت و چهارم اوقات فرخنده ساعات بهایون بعد از زیارت آستانه مقدسه بموروم دولتی مصر و
روز چهارشنبه بیت و پنجم نیز بمطالعہ عرایض و زرا و ادارات جلیله که از دار الخلافه بامره بخاکپای بهایون یصال شد بود
و سایر مشاغل ملکی اشتغال داشتند

روز پنجشنبه بیت و ششم موبک علیحضرت بهایون شامی عنبر نضره زیارت فرار خواجہ ربیع که تقریباً در یکفرسنگی
مشهد مقدس واقعت شریف فرما کرده پس از زیارت خواجہ رحمہ الله علیه بر سر مقبره نواب غفران باب شد
سعید فتحعلی خان قاجار جد امجد سلسله علیه الله تعالی شوکتهم فاتحه خوانده بعد با بشهر معاودت فرمود

روز جمعه بیت و هفتم تعطیل بود

محض تفضل ملوکانه در باره فترت او مساکین شهر مشهد حسب التقرر امین حضرت یکمزار تومان وجه نقد در خارج شهر برده بها
تقسیم نمود

بر مطالعہ کنندگان پوشیده باشد که شهر مشهد مقدس ابجیات عدیده در عالم جغرافیائی و تاریخی اهمیت است
بنابر این بقدریکه شاید و باید در وضع این شهر از اماکن قدیمه و جدیده و بقاع و مدارس و خانات و شوارع و تخیضات
روضه منوره و صحنهای مقدسه و حرم مطهر و سایر اشیای متعلقه باین مکان جلذ نشان و تزیینات حتی جل کتیبهای
و الواح منقوره در محل اسناد و غیره استقصای کامل بعمل آمده و شرح بلوکات و توابع شهر را نیز بجامه بدان ضم کرد
در کارش این فکر که تفصیل نوشته شود درج مینماید و ان شاء الله بنظر مطالعہ کنندگان خواهد رسید

مرحومین

حاجی میرزا شفیع مستوفی خاصه دیوان علی که تمام عمر با کمال صداقت و خدمات دولت جاوید شوکت علیه مشغول و با
لایقہ نایل گردیده محل توجه و اعتماد کامل بود در این نفر خیر اثر سعادت التزام رکاب ظفر نصاب مبارک یافته در بین راه
مریض شده بعد از رسیدن بمشهد مقدس و شرف آستان بی حضرت رضا علیه آلاف التحية و الثناء تقریباً در
هفتاد سالگی روز سه شنبه بیت و چهارم شوال ساعت بغروب مانده داعی حق را بسبیک جابت کفنه در جوار حرم مطهر و در
عرش درجه مدفون گردید

در مشهد مقدس بطباع می

صنیع الدوله وزیر انطباعات





روز شنبه بیت و ششم شهر شوال المکرم اوقات فرخنده ساعات بهایون علی حضرت شاهنشاهی خلد اند ملک و سلطانه بزیارت
روضه منوره حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء مصروف شده و پس از فراغ از زیارت
بهام مملکتی توجیه فرمودند نواب رکن الدوله والی و حکمران خراسان و سیستان چون در کلیه امور حکمرانی و حسن
سلوک با قاطبه رعایای خراسان و امالی ایالتین مزبورین بر طبق مقاصد سنیه ملوکانه رفتار نموده خاطر خطیر بهایون را بدو
از سبک پسندیده نواب معظم راضی و خرسند گردیده محض اظهار محبتی مخصوص غنایابی خاص کمزج سردوشی مکمل بالما
از جلایل شانهای دولت ابد اختصاص با سرداری تن پوش مبارک با فقار ایشان مندول داشتند و نیز زیاده از
بیت هزار تومان شال و سرداری و عبا و ترمه و شمشیر و انگشتری الماس و عصای مرضع و غیره بعلماء و اعیان و صاحبان
و خدام عتبه مقدسه رضویه مرحمت و اعطا فرمودند

روز یکشنبه بیت و نهم نیز زیارت آستانه مقدسه و مطالعة عرایض و زرا و ادارات که از دار آلاء بامبر رسید بوظایر مبارک
مشغول فرمودند

روز دوشنبه سلخ شهر شوال که روز تعطیل و آخرین روز توقف و اقامت در شهر مشهد مقدس بود عمده وقت بهایون بزیارت
و وداع روضه عرش درجه و انتظام بهام آستانه مطهره و سایر اعمال این مملکت مشغول و مصروف گردید
در ایام توقف مکتب بهایون در ادض آقدس علیمردان خان تیموری که سرحدات جام و باخرز و زور آباد و غیره با کفایت او
سپرده است احضار شد که بمشهد مقدس بناید معزی الیه با جمعی از آق سقاان طایفه سالور بحضور بهایون نشرف جنبه کمال
مرحمت و التفات شاهانه شد علیمردان نوکر بسیار قابلی است و در سرحدات مزبوره خیلی با کفایت حرکت کرده و از وقت

این سرحدات با سپرده شده خجانی منظم نگاه داشته است بنابراین مورد عنایات ملوکانه گردیده و او را بقلب نصرة الملک ملقب
و سرافراز فرمودند در این موقع لازم نمود تفصیلی از زور آباد و طایفه سالور نوشته شود

در همین زور آباد از قدیم الایام طایفه تیموری سکنی داشتند و در سال هزار و دویست و پنجاه که مرحوم حاجی محمد ولی میرزا
ابن خان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه حکومت خراسان یافت امیر قلیج خان تیموری با خانوار تیموری در زور آباد ساکن بود ^{بعضی}
از سببها که در تواریخ مذکور است امیر قلیج خان طایفه تیموری از زور آباد متواری شدند و از آنوقت خراب و بایر افتاده بود
تا چند سال قبل مقرر شد بعضی از قنات زور آباد را که منظم شده بود دایر کنند و طایفه تیموری و بعضی طوایف دیگر خراسانی
آنجا مشغول زراعت شوند قلعه محکمی بر او لیای دولت علیه آنجا نباشد و قشون پیاده و توپخانه و قورخانه و سواره در آنجا گذاشته
زور آباد چون جلگه بسیار وسیعی است هر قدر آنجا زراعت کنند گنجایش دارد بنابراین از تراکمه سالور هم که در اطراف متفرق
استدعا کردند اجازه داده شود باینجا زراعت و غنای مشغول باشند باینجا اجازه داده شد و حالا قریب و نهزار خانوار
از سالور در زور آباد و اطراف آنجا مشغول غنای هستند و تفصیل ترکان سالور از قرار است که نوشته می شود

در سده هزار و دویست و چهل و هفت که مرحوم نایب السلطنه رضوان جایگاه عباس میرزا طاب ثراه تهنه خراسان باین مملکت آمد
و فی الحقیقه خراسان را از نو مفتوح کرده نظم جدید گذاشتند طایفه ترکان سالور که اصل مسکن محل قدیمی آنها سرخس بود و در آن اوقات
در همان یورت خودشان سکنی داشتند چون مصدر دزدی و شرارت میشدند نایب السلطنه سرور با قشون یار و تهنه تنبیه آنها سرخس
رفتند و آنها را تنبیه سختی نمودند و بعد از آن تنبیه متفرق شدند و دیگر در یکجا جمع نبودند بعد از آنکه مجدداً حکم بر آبادی و آباد
و اطراف آن مقرر شد این طایفه استدعا کردند که باینجا اجازه داده شود که کافی التاب مشغول غنای شوند اینست که باینجا
داده شد که آمده در زور آباد و حوالی سرخس و غیره مشغول غنای باشند این طایفه سالور از پنجای تراکمه هستند و خودشان را
منوب بایل حلیل قاجاریه میدانند و طوایف آنها وریش سفیدان ایشان که همه بانعام و خلعت بمایون بایل گردیده و مرجع گرد
از قرار است که نوشته می شود

طایفه کجیک آقا طایفه شرجه طایفه کتله طایفه یعقوب طایفه صنیاد طایفه ارسلان طایفه تقاش طایفه موسی
طایفه باقره طایفه بلنج آقا طایفه یاجی طایفه اسمعیل طایفه توری تور این طوایف بسرکردگی مشکولی خان بودند
برش سفیدی قربان مراد خان و محمد ویردخان و آقا جی بیک و صفر قلیج خان و آراز علی بیک و بیک نظر خان و

۴۲
سلطان نیاز و یاز ویرد بخان و قرا بیک و نور محمد بای و قشربای و سید نیاز خان

طایفه و یکرموسوم بقبرمان و بیک بویک و طایفه علم و طایفه اجوق و طایفه اکو چلی و طایفه کرک تبرکردگی تکه خان و
ریش سفیدی ر سارخانی و صفر علی بهادر و قوجان سردار و جمعه بیک و سعید ثانیان که از علمای این طایفه است

طایفه و یکرموسوم به یو اوج است و شعب این طایفه و از حبیب پاری اردوقای تبرکردگی دولت محمد بای و خواجه محمد خان
و بریش سفیدی آنا نیاز بای و قربان نیاز خان و آنا سائق و محمد نظر خان از طایفه سالور آلان و دوهزار و سیصد خان
در زور آباد و غیره مکنی دارند و قریب چهار هزار خانوار میشوند که غفریب این نواحی جمع خواهند شد

روز سه شنبه غره شهر و بقعه احرارام موکب فرخنده کوکب بهایون شایبای بقصد معاودت دارالخلافه استیاضه سرود
تشریف فرمای منزل طرک کردید راه کمتر از دو فرسخ و تقریباً از شمال جنوب است از دروازه پانین خیابان مشهد مقدس که خارج
شده بطرف طرق می آیند در امتداد راه ابتدا حوض مایه قدرت بعد از آن رباط مایه قدرت از بناهای استیخان قرانی قدری
از آن گذشته حوض حاجی سید تقی زیارت نامه خوان است و حوض به طلاح امانی خراسان بر که و آب انبار و حوضهای
و آنچه در راهها ذکر میشود مقصود بر که و آب انبار است که بجهت زوار و عابرین ساخته شده است باجمعه بعد از حوض حاجی سید تقی قلعه
عسکریه مرحوم حاجی میرزا عسکری امام جمعه اعلی آنه مقامه میباشد قریه طرق از املاک آباد موقوفه آستانه مقدسه است قدری از
اراضی طرق را آب چشمه کیلاس مشروب بنمایه و قدری را آب کوه که از طرف گلستان می آید کاروانسرای آباد طرق عبارت از
دو بناست که اولی در جلو و باستانی است و اسکندر بیک خراسانی قوام اند و له مرحوم در هزار و دویست هشتاد و هشت خت
و رباطی که در عقب آنست از بناهای مان شاه سلیمان صفوی و بانی محمد تقی کرمانی و در سال هزار و هشتاد و هجرتی نام شده است نیز
کاروانسرای طرق تپه است معروف به تپه نادری که از استخوان حیوان و انسان و حشره شکسته و زغال و خاکسنگ تشکیل یافته و چاکه
از توالی قرون و اعصار بسیار است و مطلقاً دخلی بنا در شاه ندارد و تحقیقات علمی در باب معمل خواهد آمد و در جای دیگر نگاشته خواهد شد
نیز از تعلقات طرق ایوان طرق بقعه خواجه اباصلت بهروی است که در محل خود مذکور میشود

روز چهارشنبه دویم موکب منصور شاهانه انده الله تعالی بنصره از طرق تشریف فرمای تشریف آباد کردید راه از شمال جنوب و چارفر
و آنکه اندک میل بطرف مغرب بنمایه و از میان کوههای پست میگذرد این راه را مرحوم میرزا محمد خان سپهسالار عظمی در زمان
حکمرانی خراسان ساخته و سنگی دراز در زوکی تشریف آباد در بالای تلی نصب کرده که تاریخ ساختن راه را درین سنگ نگاشته

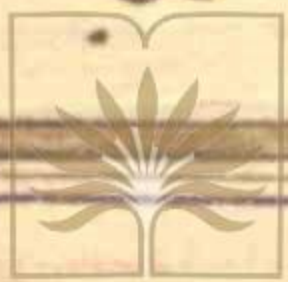


با وجود این تجهیستی و بلند هیسنوز طی آن خالی از صعوبت نیست کفرنج که از طرق گذشته برگردنه کوچکی صعود می نمایند
 بالای گردنه تپه سلام است یعنی کسبده مظهر حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام نمایان و نسکی در اینجا نصب
 که زیارت نامه آن بزرگوار در آن کتیبه نگاشته شده است و زواریکه از این راه بشهد مقدس شرف میوند زیارت
 کسبده منور فایز و اول و بلکه که بخوانند زیارت نامه تسعد میوند در آن محل شریف است قدری از تپه سلام گذشته طرف
 دست راست راه کمی دور از جاده فرعه سیاه سراسر است که پنج شش خانوار رعیت بربری دارد و آتش از کار برآست
 نیز در همین طرف دورتر فرعه گویند دیده میشود تقریباً در وسط راه بالای گردنه کوچکی قلعه رمضان بیک است معروف
 بقلعه دزدگیر یا و در پهلوی راه حوضی تپه زوار و قوئل ساخته اند کفرنج و نیم شریف آباد کاروانسرای جری مسقفی است
 موسوم به کلمبه که ده دوازده طاق دارد این کاروانسرا در خاک قریه باز حوض است و آبی در حوالی آن جاریست موسوم با
 چشمه چار که از چشمه خارج شده اراضی و اطراف کلمبه را مروع و مشروب ساخته باز حوض غلی میسر و در این آب در
 انقیض تقریباً دو سنکت قریه شریف آباد جزو بلوک میوه زن و جمیت آن پنجاه خانوار و آتش از قنات و وقت زیاد
 یکس آب دارد خاک این قریه از طرف مشرق منتهی بقریه کسبده دراز میگرد و سیلاق و خیلی سرد است میوه آن
 انور کمی است و اشجار بید و زراعت عمده آن غله و قلیلی صیفی دور باط و کاروانسرا در شریف آباد هست کمی
 در طرف شمال که استخخان قسری در عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب شاه بنا کرده و دیکری در مقابل آن که حسنخان
 نظام الدوله در حکمرانی خراسان تقریباً ده یازده سال قبل ساخته است ارتفاع شریف آباد از شهد مفصل ذریع است

از میان قابل بسیر و ال علیحضرت شاهنشاهی خلداتده ملکه و سلطانه و تو جهات مبدوله شاهانه اردوی جایون چنانکه
 باید و شاید منظم و عموم ملزمین کاب ظفر نصاب اقدس اعلی از هرجه آسوده و اسباب فراغت و رفاه در هر جا
 فراهم است آیین سلطان ریس اردو و نظم و انتظام اردوی معنی مراقبت کامل بعمل آورده و قاتیق است تمام
 مجاهدت را مرعی و منظور میدارد آذوقه و لوازم اردو بطور و فور حاضر و آماده و بهوشنیر و باعبدال نه
 کمال خوشی را دارد و بر کلیه سربازان خوش میگذرد
 در سرب و اراغ

صنیع الدوله وزیر انطباعات

مندرج





رو چشمنه سیم موکب فرخنده کوکب علیحضرت شاه شاه صاحبان خلدانه ملک و سلطان از شریف آباد به دژ آباد شریف
 گردید راه بطرف شمال و پهنه سخت تقریباً یکمیدان را که در تال و وادی نموده بطحی میرسند که آثار عمارتی در ابتدای آن
 بنظر میآید و برجی در کن چشمه دیده میشود اینجا را رباط سخت لنگر میگویند از قرار مذکور کاروانسرای در اینجا بوده راه از اینجا
 دو تا میشود از جاده طرف دست چپ بحال قرانی ویزد و کرمان میرسند و جاده دست راست راه زوار و قوافل عراق
 و طهران است قدری که از اینجا گذشته چشمه است با آب قلیل و آبادی کاروانسرا مانندی که یک اطاق و طویل از آن باقی
 و دو اطاق دیگر خراب است تقریباً و فرسخ که طی مسافت نمودند در طرف دست راست و دراز جاده بالای کوه تپه مانند قلعه برش
 که ده پانزده خانوار رعیت دارد و در دست راست راه در همان محل مختصر زراعت قنات و اصطخر است از رعایای ابرش موسوم
 بکلاته علیشاه قدری از اینجا گذشته دست راست راه و دراز جاده چشمه و درختی است و بالای آن چشمه قلعه چهار برجی و
 میشود که بعضی از اهالی بلوک بیوه زن اینجا آمده بیلایشی مینمایند از اینجا گذشته حوضی در راه است که دو طاق از گل و
 بالای آن ساخته و آنرا حوض شب کوبند قدری بالاتر دست راست و دراز راه فرعه قسم دیده میشود که تقریباً چهل خانوار
 رعیت دارد و آبش از قنات در کفر سخی دژ آباد فریه خردا و دست که قلعه محکم و شصت هفتاد خانوار رعیت دارد و کاروانسرا
 سر پوشیده در اینجا برای عابرین بنا کرده اند و در جلوی کاروانسرا فاصله بیت و پنج ذرع حوض آب است که بالای آن قبه از
 و آجر ساخته اند و فرخدا و دژ بلوک بیوه زن و سپرده ببطارانه خان تیمور است اما دژ آباد و قریه است دژ آباد سفلی و دژ آباد
 علیا و رودخانه دارد که از طرف مغرب ببل شمال سر چشمه که قه سمیت جنوب جاری بذر آباد سفلی میرود این رودخانه از رودخانه
 معروف خراسان خاک مشهد مقدس بدین منتهی شده بعد از آن شروع بخاک میابور مینماید آب رودخانه دژ آباد بخوبی

و کواری معروف و در فصل که اواسط سنبه است یک سنگ آب دارد ولی بهار زیاد میشود و از آباد سفلی در طرف دست چپ راه
و از آباد علیا در طرف دست راست جاده واقعست سکنه در آباد علیا صد خانوار و در آباد سفلی شصت خانوار رعیت دارد
در نزدیکی راه آثار کاروانسرا خرابه دیده میشود و در اینجا پلی هم بر روی رودخانه بوده که حالانها نبوده است

روز جمعه چهارم قدمگاه مضرب خیم با احتشام پادشاهی گردید راه چهار فرسخ و از مشرق مغربست قدریکه از دژ آباد گذشته
دست راست دور از راه بالای کوهی تپه مانند قلعه کوشان است که شصت خانوار جمعیت دارد آب آن از قنات قدری
در همین طرف راه دهبی است موسوم به کرنه که خالصه دیوان و ایش از رودخانه و یکصد خانوار سکنه آنست از اینجا گذشته باز در
دست راست کلاته است موسوم به دهنه که قلعه در اینجا ساخته اند و ده خانوار رعیت در آن سکنی گرفته و آب این کلاته نیز
از کاریز است بعد از آن محاذی میشوند به در رود که از دره های معروف با حضرت و نصرت خراسان بوفور شجار و آب و آباد
مشهور است یک فرسخ بعد مگاه مانده قریه بقیش در دست راست راه و نزدیک بجاده است آب آن از کاریز و باغات زیادی چهل
خانوار رعیت دارد قدری از بقیش گذشته دست چپ مزرعه است که قلعه دارد و موسوم بقلعه نومیس باشد و سی خانوار رعیت دارد
محاذی قدمگاه ده حاجی است بامیت خانوار سکنه آن اما قدمگاه عبارت از بقعه است مربع که از هر ربعی شاه نشینی اخراج کرد
و پشت ضلع چهل شده و تزیینات این بقعه از کاشی ازاره و نقش داخل بقعه کتیبه و غیره همه بدرجه بسیار است این بقعه را
شاه سلیمان صفوی در سال هزار و نود و یک هجری بنا کرده است و باغی دور آن طرح و غرس نموده اند که علاوه بر سایر اشجار
عظیم زیاد داشته و دارد و در بیرون باغ محاذی در و مدخل خیابانی از درخت کاج بوده که بعضی از اشجار آن سنوز باست
در داخل بقعه در سمت قبله یک پارچه سیاه سخت که تقریباً نیم ذرع در نیم ذرع است بار قنات یک ذرع در دیوار نصب کرده
و اثر دو قدم بزرگ در این سنگت بقول مشهور این اثر از اقدام مبارک حضرت رضا علیه آلاف التحية و الثناء است و بعضی
عقیده اند که آثار اقدام از حضرت امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام است آبادی قدمگاه بر روی کوه تپه مانند است که در
بقعه واقع و تقریباً یکصد و پنجاه خانوار رعیت دارد در نزدیکی قدمگاه پنجاه فاصله سیصد قدم و یکده است موسوم بپوش
که دارای میت خانوار سکنه است محوطه قدمگاه پنج رشته قنات دارد که همه رو بقبله است کاروانسرای جرمی بی بد و از ده
بسیار خوب موضوع از کاروانسرا در قدمگاه هست ارتفاع قدمگاه از مشهد مقدس سیصد و پنجاه ذرع است

روز شنبه پنجم موکب معود خسروانه از قدمگاه انتهاض فرموده طاهر فیاض بومضرب خیم با احتشام بهایون گردید و در راه پنجاه فرسخ

۴۲
و از مشرق مغرب و در جلگه وسیع هموار است که تماماً استعداد آبادی دارد و قرا و مزارع بسیار از دور و نزدیک دیده میشود
که همه آب قنات مشروب میگردد و قنات همه بطرف جنوب جاریست آبادیهایی حوالی و نزدیک راه و جاده از این قرار است
در طرف دست راست خرو پور مهران تقی آباد نجفی آباد دست چپ عباس آباد دولت آباد ابوسعیدی سعد آباد فخر آباد
ده شیخ شهر نیا بوزار بلاد مشهوره قدیمه است و ذکر این بلده و شرح آبادی و کثرت جمعیت و محاسن آن در کتب
جغرافیای قدیم و تواریخ تفصیل نگاشته شده اما شهر حالیه غیر از آن بلد است که غمنا در زمان سلطان بنجر سلجوقی ویران نموده
نیز غیر از آن شهر است که در زمان چنگیز خان لنگر مغول خراب کرده و میا بوزار حالیه را چندان عظمی فیت جمعیت این بلده سازند
هزار نفر میرسد مسجد جامع معتبری دارد که در زمان سلطان حسین بایقرا ساخته اند پانصد باب دکان و دو مدرسه و سینر ده جام و دو
مسجد متوسط و چهار دروازه این شهر است مشاهیر قدیم میا بوزار علما و محدثین عرفا و غیر هم بسیارند که قبور بعضی از آنها
در حوالی شهر است از مشاهیر و مرآت معتبره میا بوزار بقعه امامزاده محمد معروف بحقوق بن محمد بن یحیی بن علی بن حسین علیه السلام است
و بقعه امامزاده ابراهیم و بقعه فضل بن ثاذان محدث و شیخ فریدالدین عطار و حکیم خسرو خاتم میا باشد و جغرافیا و تاریخ این
بلده مفصل در محل خود نگاشته خواهد شد ارتفاع میا بوزار مشهد مقدس تقریباً دویست ذراع است

روز یکشنبه ششم در میا بوزار تراق شد

روز دوشنبه ششم موکب منصور خسروانه ایده اند تعالی بنصره از ظاهر میا بوزار تهاض فرموده حوالی نجف آباد مضرب خاتم سپهرام تهاض
کرده
راه در جلگه هموار صاف و پرفرنج و ابتدا از مشرق مغرب و بعد مایل بجنوب میشود صحاری طرف مغرب میا بوزار بآبادی صحراهای طرف
مشرق فیت و قنات فاصله از شهر بوضع بیابان قرا و مزارع بندرت دیده میشود بعد از آبادیهایی حوالی شهر طرف دست راست را
وصل بجاده فرعه ده دار و غه است که خانه نوار رحمت دوازدهم دست چپ مقابل ده دار و غه قدری و دراز راه مظفر آباد است سکنه آن
دوازده خانوار بعد از ده دار و غه در همین راه روح آباد است با هفت خانوار و قدری بالاتر دو راز جاده رستم آباد است و بعد ده سکنه آن
در طرف دست چپ کازیری رحیم آباد و زنگان آلهی حسین آباد است بلوچ چادر نشین میا بوزار این ناحیه سکنی دوازده و آمرور چادرهای آنها
در راه دیده میشود نجف آباد که منزل است قلعه کوچکی است مشتمل بر بیت خانوار آتش از قنات ارتفاعش مثل میا بوزار است

روز سه شنبه ششم موکب جایون از نجف آباد تشریف فرمائی ریاب کرد راه ابتدا از طرف شمال سمت جنوب بعد با جانب مغرب مایل میگردد
و همه جلگه صاف مسطحیت تا چشمه کوچکی که در نزدیکی شوراب میا باشد از اینجا در میان پستی و بلندیت تا منزل شوراب تقریباً چهل خانوار

سکنه و چند قطعی و کاروانسرای معتبری دارد آتش از قنات و ارتفاعش از مشهد مقدس دویست و پنجاه دست
 روز چهارشنبه نهم حوالی رباط سرپویه منزله گاه اردوی کربون کرد از شوراب تا دفرنج درستی و بندی بعد در جلگه بموار و از شرق
 بعد از طی مسافتی در طرف سیار راه کلاته حاجی میرزا ابراهیم علی جانب حاجی میرزا ابراهیم شریعتدار مجتهد معروف بموار بعد از آن
 دفرنجی شوراب دهنه و قریه سن کلید است که اللهیار خان آصف الدوله آنرا بنا کرده و کاروانسرا خرابه اینجا بوده که مرحوم حسن میرزا
 حشمه الدوله آنرا تجدید و مرمت کرده قریه سن کلید را باز در خانوار غایت قنات است بقعه دهنه سن کلید رخد و حال کال میثا بموار است
 کفرنج بعد از سن کلید رقلعه خرابه است موسوم بقعه غلامان آب باری و بروی این قلعه است که بالای آن یکمیری ساخته اند گویند مرحوم حشمه الدوله
 نموده آن دفرنج بر رباط سرپویه ماه کاروانسرای غفرانیه معروف غفرانیه کاروانسرای نیم غفرانیه بنه نام و کاروانسرای کلبه از ابنیه خیریه است
 که تقریباً بیست سال قبل بمقدور قدیر یون بشاری خلد اند ملک در کمال احکام و خوبی خست و بنا نموده آب باری محاذی کاروانسرا که دو کور
 و از قرار مذکور مرحوم ناصر خان طبرانی آن بوده و یکده غفرانیه خانی نواری سکنه و حامی و خجالی و آتش از رودخانه کمتر از کفرنج بکاروانسرای
 سرپویه متصل بر راه آب انبار که مرحوم حسنخان نظام الدوله ساخته بعد از آن دست دور از راه قنات آب باریک صلیح آباد و حاجی شمس آباد سرپویه
 فی الواقع دو کاروانسرا که اولی برای یکمیری بمنزله جلو خا آبادی و یکده که در اینجا وقت قنات بر رباط سرپویه است آب این یکده قنات
 و بمقدور خانوار سکنه دارد آب باری نیز در اینجا از شوراب رباط سرپویه هفت فرسخ راه رباط سرپویه چاه ذرع از مشهد مقدس است
 روز پنجشنبه دهم طاهر سیر و از مضرب خیم کردون چشم شهرباری ام ملک کردید راه از شرق مغرب در جلگه بموار است و زیاده از نه فرسخ
 دست چپ دور از راه قریه سن کلید در همین طرف زیاده آباد است در سمت راست و صل بر راه قریه سن کلید آباد است که آنرا
 نزل آباد میگویند سکنه نزول آباد پنجاه خانوار و آتش از قنات و سبب عظیمی بر ارتفاع پانزده ذرع در این قریه است و بر کوه سبب در طرف
 مغرب متصل به بنای کسب پناه ایوان عالی موجود میباشد که در کمال تائق با آجر ساخته شده و آثار خط کوفی هم در این ایوان از این آثار و پنجاه
 ایوانی مسموع شد نزول آباد یکی از قصبات معتبره هین بوده و شرح آن در محل خود نگاشته خواهد و بقعه امامزاده سلطان سید حسن از اولاد
 امام رضا علیه السلام در این قریه بقیل مسافتی از نزول آباد قریه از او منجیر است آثار مزارعی که منیر درین قریه میباشد بعد از آن در همین طرف قریه
 باغان است و پس از آن یکده و لان از آن گذشته قریه آیزی است و طرف دست چپ مزرعه ملک آباد و دفرنجی شهر نزدیک ملک آباد
 آب انبار حاجی فرامرز خان از معارف بموار است در هزار قدمی شهر سیر و در باغ کوچکی است و مصلای شهر و در این باغ
 صنایع الدوله و وزیر انطباقا

وزیران
 وزیران





روز جمعه یازدهم شهر ذی قعدة الحرام موکب معبود اینحضرت شاه شاه صاحبان خلدانه تعالی ملکه و سلطان در ظاهر سبر و وارفت
 واقامت داشت شهر سبر و وار اگر چه بقدمت میا بوزیت ولی بازار بلاد قدیمه محبوب میشود بعد از خرابی خسرو کرد قاعده بهی
 این شهر را بالنسبه عظمت و آبادی حاصل شده آلاں شهریت آباد تر از میا بوز دارای حصار و بار و بروج و تقریباً هزار باب
 دکان و دو مسجد معتبر و دو مدرسه عالی و چند حمام و سایر لوازم بلدیت بواسطه وجود مرحوم حاجی غلامادی سبر واری قدس
 که از مشاییر حکما و متالین عصر و زمان یکانه دوران بود این و آخر دارالعلم و مجمع فضلا محبوب میشود و حالانیز از آن تشعشع و انوار
 بقیه وظلی باقیست و شرح این بلده تفصیل در محل خود نگاشته خواهد شد سبر و ار پنجاه ذرع از مشهد مقدس است

روز شنبه یازدهم موکب منصور شاهانه ایدانه تعالی بنصره از ظاهر سبر و ار تشریف فرمای قریه رسید کردید راه مشرق
 و در جلگه است طرف دست چپ راه مزرعه فضل آباد است باده خانوار رعیت و سمت دست راست کلاته سیفر که صد خانوار
 دارد قدری از اینجا گذشته در جانب یار جاده قریه بارش است و سکنه آن شصت خانوار و آب این قرا و مزارع از فوات
 دیگر فرسخی سبر و ار آثار خرابه خسرو کرد شهر بهی دیده میشود و از این آثار مناری بر تپاع بیت و نه ذرع موجود است که از حیث بنا و تاق کمال
 است یازار دارد این بنا تعلق مسجد معتبر خسرو کرد داشته و در ابتدای طلال این بلده بقعه ایست مشتمل بر گنبدی مفرق در دوازده
 پانزده ذرع که روی گنبد را جناب حاجی میرزا ابراهیم شریعتدار مجتهد معروف سبر و ار سلمه الله تعالی حلبی کوبیده اند و در این
 بقعه صحن وسیع و دیوار کلی است اما کی کونید شاهزاده حسین و شاهزاده ابراهیم و شاهزاده قاسم از اولاد حضرت موسی بن
 علیه السلام در اینجا غایب شده اند در شمال منار خسرو کرد تقریباً با فاصله هزار ذرع قریه خسرو کرد است که صد و پنجاه خانوار
 دارد و در روی تپه مصنوعی وصل بقبریه قلعه خرابه مذکور چهار برجی دیده میشود که ارک شهر خسرو کرد بوده است قریه خسرو کرد در حاکم

و یک باب مسجد و بناغات زیاد دارد آنرا خسروگرد و نجوبی معروفست خسروگرد را بنجر و جرد مغرب نموده اند یک فرسخ از خسروگرد
گذشته قریه سید راست در طرف دست راست قدری و راز جاده و اماکی از استیر تلفظ میکنند بقعه معروف به پیر استیر
سید ریده می شود که از قرار ادعای مالی مزار بعضی از شیخ اولاد کمال است و جمعی از اولاد آن شیخ در سید رکنی دوازده پهلوی
این بقعه بنایت غریب که شرح آن در محل و موقع خود نگاشته خواهد قریه سید رعد و پنجاه خانوار سکنه و قلعه دارد که بعضی از آنها
در قلعه و برخی در بیرون قلعه در حوالی ساکنند آب سید راز قنات قریه رید که منظر گاه است نیز صد و پنجاه خانوار روستا
حمام و مسجد و بناغات زیاد دارد و دهکده آباد است و در غیر سنخی آن در شهر شاه راه رباطی تخته قوئل و راز ساخته اند آب سید
از سه فرسخی از جایی که مزار سلطان سید قریش در اینجا است چشمه میگرد از بنبر و از تارید چهار فرسخ راه آواز بلده مریو
تا شاه رود همه جا در صحرا با فلفل سفید میروند رید تقریباً سی ذرع از مشهد است راست

روزی که شنبه سیزدهم مویکب فرخنده گوکب شاهانه از رید تشریف فرمای صدخرو کرد و صدخرو را غالب مردم از خراسان
و عراقی و غیره سود خر تلفظ میکنند راه از مشرق مغرب و در جلگه هموار و چهار فرسخت در یک فرسخی صدخرو قریه مهر است
کاروانسرائی از بناهای عهد شاه عباس ثانی در اینجا بوده که منهدم شده و جناب حاجی میرزا ابراهیم شریعتدار محمد بنبره
سلمه الله تعالی کاروانسرائی جدید در نزدیکی کاروانسرای قدیم بنا نموده اند و نصف بیشتر از آن ساخته شده است آب انبار
مقابل کاروانسرا دارد که بمقدار هشتاد سال قبل بنا کرده اند و هر دهکده آباد است آبش از رودخانه از کوه طرف شمال می آید از اینجا
گذشته در پانصد قدمی صدخرو بقعه مربع مساوی اسلامی دیده میشود و بقعه مالی سلطان سید علی از اولاد حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام در این بقعه مدفونست صدخرو دهکده است آباد بشبه آبش از رودخانه که از چشمه ساکوه طرف شمال
تشکیل مییابد و از یک رشته کاریز مسجدی از بنیه قدیمه در این آبادی هست که ایوانی مقنس تقریباً با ارتفاع دوازده ذرع دارد
آنرا و هشتاد و نه و خربزه صدخرو خوب میشود صدخرو چند ذرع از رید است راست

روز دوشنبه چهاردهم مویکب مغلی از صدخرو و آنهاض فرسوده حوالی مریان مضر بن حایم چهارم میامون کرد و راه چهار
و از مشرق مغرب و در جلگه هموار است در میان آب انباری دیده میشود و غیر از آن در خط راه آثار آبادانی نیست اما مریان قلعه
حالتی از ایا زده سال قبل که سیل مریان کهنه را خراب و منهدم ساخت اما لی ساخته و در آن سکنی گرفته اند این قلعه همان سکنی
قلعه مریان است که آلهیار خان قلیجی در عهد خاقان خلدشیان فتحعلی شاه طاب ثراه در آن متحصن شده و دم از خود میبرد

و عساکر خاقانی اور مقهور و قلعه را خراب کردند و آثاری از آن بود تا فریانیها بعد از خرابی سیل مزبور آنرا عمارت کردند و حالاً به
بلوک فریان جای بادست دکان مدرسه و کاروانسرا و حمام دارد در خارج قلعه فریان کاروانسرای آجری از بنیه عهد
شاه عباس ثانی برای قوافل و زوار است و حاجی علی بن قتیبه کاشانی این کاروانسرا را مرمت نموده است قرا و مزارع بلوک
فریان از استقرار است بهمن آباد سوز کاهه کلاته فریان غمیا بون و آورزن تباروان آبرود مور نیزه در بهمن آباد
و سوز دوسه بقعه و مزار است که از قرار تقریر امانی اما مراده سلطان سید اسماعیل و سلطان سید قریش و سلطان سید حسین
این بقعه مدفون شده است آب فریان از دو قنات فریان تقریباً سیصد ذراع از مشهد مقدس پست تر است
روز سه شنبه یازدهم در فریان تراق شد

روز چهارشنبه شانزدهم اردوی معالی از فریان تشریف فرمای عباس آباد کرد راهش فرسخ و از مشرق مغرب در جلگه
اغلب اراضی بکوبیر شباهت دارد از فریان که سه فرسخ و نیم طی مسافت نمود بقعه صدر آباد میرسنده که چند خانوار سکنه و دروا
آجری بسیار خوب آب انباری دارد این کاروانسرا و قلعه را مرحوم میرزا آقاخان صدر اعظم نوری بنا کرده است نیم فرسخ از
گذشته پل ابریشم است این پل را مرحوم محمد ناصر خان ^{ظهيرالدوله} ساخته و در طرف جنوب آن بفاصله چند ذراع آثار پل خرابه قدیم دیده میشود در
فرسخی عباس آباد دو چشمه کوچک و قلعه چهار برجی کلیت معروف بچشمه خونی و قلعه کزی چند سال قبل از طحری اینجا ساخته است
قلعه عباس آباد را شاه عباس اول بنا کرده و چهل خانوار از مسلمانان کرجستان اینجا آورده و سکنی داده و حالا آن چهل خانوار
خانوار رسیده است تیر شاه عباس کاروانسرای در کمال استیاز با آب انباری در اینجا بنا کرده و اینجا نظام الدوله حاجی علی بن قتیبه
تاجر کاشانی این کاروانسرا را مرمت کرده است جلگه عباس آباد آهویی یاد و کور خسرو دارد و در کوههای آن سینه قوچ و میش
بسیار است عباس آباد صد و پنجاه ذراع از مشهد مقدس پست تر است

روز پنجشنبه هفدهم میانه شت مضرب خیام کردند و قشام خسروانی کرد راه از مشرق مغرب و ابتدا در جلگه بموار پس از
طی یک فرسخ و نیم جاده فیما بین دو رشته کوه واقع میشود که فاصله بین جبلین از دویست ذراع الی مقصد شصت و پنج ذراع است
در دو فرسخی عباس آباد ابلهک است و آن قلعه است و صل بکاروانسرای آجری از بنیه قدیمه که سی چهل خانوار بسیار
از طایفه عرب و عجم در آن سکنی دارند سه فرسخ از ابلهک گذشته میانه شت است از اینجا که این منزل بالنسبه کم است این حضرت
بر حسب امر قدر بجا یون از پیش میانه شت آمد نظم کامل در کار آب اینجا داده که کلیه اهل اردوی بیون و فرمین کباب اعلی از

این بابت نیز کمال آسایش حاصل نمودند و از برای سواران بعضی دیگر از ابالی اردو آب جلوفرستاده که بکلی از تشنگی محفوظ
و راحت بمنزل رسیدند و این معنی اسباب مسرت خاطر مهر آثار مبارک گردید

اما میاندشت قلعه آنرا مرحوم حاجی میرزا آقاسی بامشهر پسر ورامضی محمد شاه طاب ثراه بنا نموده و تقریباً پنجاه خانوار
سکنه در این قلعه میباشند و حجاب کاروانسرای جری از این بقعه قدیمه معروف بشاه عباسی در میاندشت که حاجی علیسقی تاج
کاشانی مرمت کرده و دو باب کاروانسرای بسیار ممتاز و وسیع آجری وصل بکاروانسرای قدیم سینخان نظام الدوله ساخته
و قریب صد هزار تومان خرج کرده است و دو آب انبار در یکی از این دو کاروانسرا و یکی در بیرون کاروانسرا میباشند
و بیت هزار نفر زوار و غیره در این سه کاروانسرا و بیرون آن میستوانند بمنزل نمایند بلکه میاندشت نهایت صاف و
وکوه بلند میامی در طرف جنوب غربی این جلگه و کوه طرف جنوب موسوم به بیار که بلوک بیار چمند و رای آنت و کوه طرف شمال
شرقی را فروم کونیند و چون پشت این کوه است و کوه طرف شمال غربی معروف بقلندر سر و پشت آن نزدیک ارتفاع
میاندشت از مشهد مقدس دویست ذراع است

روز جمعه سیدیم موکب فرخنده کولب علیحضرت شاهی ام ملکه از میاندشت تشریف فرمای میامی گردید و راه از مشرق مغرب
و هفت فرسخت بکفرسنگ از میاندشت گذشته خط راه در میان کوههای پست و دره و ماهور قاده و همین طور در پستی و
بلندیست تا از دهنه زیدرخارج میشوند از دهنه زید که خارج شدند در کفرسنگ و نمی میامی در طرف دست راست
نزدیکت براه قلعه زید است که مرحوم حاجی میرزا آقاسی بامشهر پسر ورامضی محمد شاه طاب ثراه بنا کرده و قاتی دارد و
بیت خانوار درین قلعه سکنی دارد قدری از قلعه زید گذشته نیر در طرف یمن قریه ابراهیم آباد است که پنجاه خانوار رعیت و غلات دارد
دارد میامی قریه آباد و شبیه تقصیه است یکم و حمام و مسجد و پارخانه و کاروانسرای جری دارد از این عهده شاه عباس
در طرف جنوب میامی کوهیت شاخ معروف بکوه میامی که آب این قریه از دره وسط این کوه جاری میشود

روز شنبه نوزدهم در میامی اتراشد روز یکشنبه بیستم حوالی قریه آرمیا مضرب خیام گردون چشم خسروانی گردید راه بچرخسنگ
و از مشرق مغربست و قرائی محمد آباد و جودانه و کلاته اسد و اسرایلی در حوالی راه ویده میشود قریه آرمیا نیز آباد و چار عظیم
آن که تقریباً پنجاه ذراع دور است معروف است روز دوشنبه بیست و یکم موکب بایون شاهی بظاهر شاهرو

صنیع الدوله وزیر انطباعات

در شاهرو و ابواب

نزول جلال مشر مود





روز شنبه بیت دوم شهر ذیقعد الحرام موکب فرخنده کوکب اقدس شاهی خلدانه ملکه و دو درگاه هر شاه بود و داشت
روز چهارشنبه بیت و نیم شریف می ده ملا گردید راه در جلگه صاف از شمال جنوب و چهار فرسخت در یکفرسخی شاه بود و طرف
چپ راه قدری و راز جاده آثار بقعه خرابه است معروف بقعه شیخ عماد الدین و بقعه بعضی از ابنیه حوالی آن دیده شود نیز در همین
در امتداد راه و در راز جاده قلعه علی اکبر خان و قراخی ریان و کلاته خان ابراهیم آباد بنظر میرسد قریه ده ملاک جنوب بملا جامی معروف
در کمال آبادی و شبیه بقعه می باشد و در باط شاه عباسی ارد که مرحوم محمد ناصر خان ظهیر الدوله مرمت کرده ارتفاع ده ارشد صد و نه
روز پنجشنبه بیت و چهارم موکب معنی شریف می منزل همان دست گرد راه از مشرق مغرب و چهار فرسخ و در جلگه هموار در مزارع خداده
قریه است وصل به ملا خاک بطام با سار سیده و دخل خاک دغان میوند و طرف سیار در امتداد راه قراخی قلعه پائین مراد آباد و خداده و کلاته
و مومن آباد و قادر آباد و نیم آباد و دولا ب و زرین آباد و حسین آباد دیده شود همان دست قریه است آباد و در حوالی آن دهکده امام آباد است در
نزدیکی این دهکده برجیت شبیه میل را دکان که دور دایره آن از خارج سی و چهار فرس و آنچه از ارتفاع آن باقی مانده چاره ذرع می باشد و از بابت استقام
مناست کتیبه خط کوفی که در بالای آن دور بنظر میرسد محل ملاحظه می باشد ارتفاع همان دست از مشهد مقدس و دست ذرع است
روز جمعه بیت و پنجم خارج دغان نزول جلال موکب بیون مزین گرد راه از مشرق مغرب و در جلگه صاف و پنجر سخت دغان از بلاد
قدیمه و دارای ابنیه عتیقه معتبره و شاه شریفه است که از جمله بقعه امرا و جعفر بن علی بن حسین بن علی بن علی بن
علیه السلام است و ذکر این جمله با اسامی مزارع و قراخی دغان در محل خود نگاشته خواهد ارتفاع دغان از مشهد مقدس تقریباً صد و نه
روز شنبه بیت و ششم در خارج دغان اتراق شد

روز یکشنبه بیت و هفتم از دغان انتهاز فرموده شریف فرمای سید آباد گردید راه از مشرق مغرب و در جلگه صاف و در
حاجی آباد و رضی آباد و عوض آباد و علی آباد و شیرشان و بخش آباد و دولت آباد و حاجی و سید آباد قراغت که در امتداد راه

دست چپ و قلعه امیرآباد را مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار عظمی ساخته و بناغ و عمارتی بنا نموده است این قریه آباد و دارای چند باب دکان و خیال حمام و مسجد و غیره میباشد ارتفاع امیرآباد مثل مغان است

روز دوشنبه بیت هشتم موکب بیابون شریف فرمای شکرید راه از مشرق مغرب در جلگه و کمتر از دو فرسخ است قوشه قریه و آبادانی ندارد فقط کاروانسرای شاه عباسی در اینجا منظرگاه زیاده و بارین است قریه سروان در طرف مشرق قوشه و قریه تویه و در وادار و صحرایست
مغرب آن است ارتفاع قوشه از مشهد مقدس دویست ذراع است

روز سه شنبه بیت ونهم آهوان منظرگاه موکب معلی بود راه شش فرسخ و از مشرق مغرب یل جنوب میباشد دو فرسخ باهوان باند راه در میان کوههای پست میافتد در نیم فرسخی آهوان رضی آباد است و آن عبارت از طویل و دکانی است که چشمه آبی در پهلوی آنست در آن کاروانسرای از ابنیه بسیار قدیمه دیده میشود معروف بر باطنو شیروانی که از سنگ و گچ و آجر بنا کرده اند و با آنکه خراب و غیر مسکونت زیاده از حدشایان است کاروانسرای بادی نیز در آهوان است که در عهد شاه سلیمان صفوی ساخته اند آهوان دکه و آبادی ندارد ارتفاع آهوان از مشهد مقدس سیصد و پنجاه ذراع است

روز چهارشنبه سلج شهر ذیقعه الحرام ظاهر شهر سمنان مضرب خیام کردون خیام خسروانی کردید راه هفت فرسخ و از مشرق مغرب یل جنوب تا سه فرسخ در میان تلال و مادی و سربالایس از آن کرده مختصری قطع شده راه سرازیر و در جلگه صاف هموار میباشد در دو فرسخ و نیمی آهوان قناتی تازه احداث کرده و زراعت کمی دیده میشود و اینجا را چاشت خواران میگویند سمنان شهری آباد و با دارایی معتبره قدیمه و جدیده است که از جمله مسجد خان خلد آسمان منقور فتحعلی شاه طاب میباشد که در هزار و دو چهل و دو چهل و سه بنا شده و فی الحقیقه بنای عالی و باروح نظیر آن کمتر در بلاد دیده میشود مسجد جامع سمنان که از ابنیه عهد میرزا شاهرج کورکانی است محل ملاحت میباشد و شرح جمله در محل خود نگاشته خواهد شد ارتفاع سمنان از مشهد مقدس یکصد و شصت ذراع است

روز پنجم غره شهر ذیقعه الحرام در سمنان قامت فرمودند

روز جمعه دوم موکب مسعودشاهی غرضه شریف فرمای قریه لاسکر کردید راه شش فرسخ و از مشرق مغرب از شهر سمنان خارج بلافاصله قریه کوشمغان است که در اصل کوشک مغان بوده و کفرسخی سمنان طرف دست راه قریه مومن آباد از نیم فرسخی دیده و بقعه معتبری آنقریه است فلوب بدروش علی در سه فرسخی سمنان دکه سرترا که در واقع قصبه بادی میباشد و هشتصد خانوار سکنه دارد در طرف جنوب سرترا فاصله یک فرسخ قریه صوفی آباد است و بهر شرح علل الدوله سمنانی قدس سره که از شاهسیر حکما و عرفا در آنقریه میباشد

در یکدانی لاسکر در طرف دست راست دهمده میسه و راست عمده آبادی لاسکر یعنی خانه رعایا در قلعه مستدیریت در حوالی قلعه نیز بعضی خانه
بنا کرده اند لاسکر و باغات زیاد و انار ممتاز دارد رباطی از عهد صفویه نیز در لاسکر است ارتفاع لاسکر از مشهد مقدس دویست و نود و شصت
روز و شنبه نهم از لاسکر در شریف فرمای دهکک گردید راه هفت فرسخ و ابتدا از شمال جنوب و بعد از آن کم کم بطرف مغرب میل مسکرد
در یکدانی لاسکر در طرف دست چپ در از راه فرخ بخش آباد است قدریکه پیشتر فرستند هر کوچه ای است آب کی در آن جاریست و از
باریک آب میآید بعد از آن مجرای آب عین و کم عرض که آب قلی در آن جاریست و سه جابر روی این مجرای آب بسته اند و آن
پلها معروف به پل کرپی میباشد در سه فرسخی لاسکر در قلعه عبدالآباد است که چند خانواری در آن ساکنند دهکک نیز قلعه مذوری دارد که بعضی
از سکنه در قلعه برخی در خارج سکنی دارند کاروانسرای شاه عباسی نیز در دهکک است دهکک دویست و شصت فرسخ است از مشهد مقدس است
روز یکشنبه چهارم حوالی پاده و ارادان و علی آباد خوار ضرب خیم کردند و چشمهای یونی گردید راه سه فرسخ و در جلگه بود و شرح این
در ضمن خبرانی خوار بیاید ارتفاع مثل دیروز است

روز دوشنبه پنجم شریف فرمای حوالی قشلاق حسین آباد که نیز از قرائی خوار است گردیدند راه امروز قدری از دیروز بیشتر بود
قشلاق صد فرسخ از مشهد مقدس است

روز سه شنبه ششم موکب معوذ خروانی در ایوان کیف (ایوانک) (ایوان کی) نزول اجلال فرمود در راه پهنه رخ و از شرق
بمغرب است ایوان کیف قریه یا قصبه است آباد دارای بعضی دکا کین و سکنه زیاد و در حوالی آن آثار خرابه بسیار دیده میشود
رباط شاه عباسی نیز در حوالی آبادی است در این روز نواب والا نایب الطه امیر کبیر وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه و
غیر ما که با استقبال موکب معوذ خروانه آمده بودند پیش رکاب اعلی مفتخر گشته مورد عواطف مخصوصه عنایات خاصه شاهی
گردیده حسب الامر الاقدس معاودت بشهر نمودند ارتفاع ایوان کیف از مشهد مقدس صد فرسخ است

روز چهارشنبه هفتم موکب اعلی شریف فرمای خواتون آباد گردیدند راه هفت بلکه هشت فرسخ و در جلگه صاف و از مشرق بمغرب
چهار فرسخ و نیم که از ایوان کیف طی مسافت نمودند بشریف آباد میرسند و در عبور و مرور از این راه بعضی قوافل در شریف آباد
منزل مینمایند در خواتون آباد جناب حجه الاسلام آقا حاجی ملا علی سلمه الله تعالی رباطی بسیار معتبر و ممتاز برای قوافل فروزا
بنا کرده اند خواتون آباد سی فرسخ از مشهد مقدس است

روز پنجشنبه هشتم که سفر سعادت اثر خراسان ارض اقدس بمنبت و فرخندگی خستام می یافت وقت صبح موکب معوذ ایل حضرت شاه



صاحبسران خلدانه ملکه و سلطان بهامیان قبال از خاتون آباد بقصد ورود به دارالخلافه و مقر سلطنت عظمی آنها فرستاده شد درین راه
نواب والا نایب الطمه امیر کبیر وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه با بهره و غیره با بعضی از روسای نظام و دستجات سواره و پیاده
بندیرانی موکب بهایون وکیل رکاب اعلی منعقد گشتند و غایات بلا نهایت شایان همه را شال کردید بعد از صرف نهار در کوچه
دولاب بندکان علیحضرت پادشاهی دام ملکه بستر فاتسکار آباد تشریف فرما گردیده پس از نیمه استراحت از آنجا حرکت فرمود
از راه خیابان دوشان تپه شهر دارالخلافه با بهره را بمقدم بخت شیم خسروانی فرین فرستاده اداره وزارت جلیله جنگ
تعیینات موکب منصور شاهنشاهی ایزده الله تعالی بنصره را از هر چه مرعی و منظور داشته اغلب از توپهای جدید الاستراع
کار کارخانه دارالخلافه و غیره در هنگام ورود موکب معود از سان نظر معدلت اثر بهایون گذشت و نظم و ترتیبات آن
پسند خاطر مهر آثار مبارک گردیده از مساعی جودان مخصوص که توپخانه مبارکه سپرده بایشان است خرم گشته بندل
حافظ طوکانه اورا سرسره از داشتند افواج پیاده که از ابتدای خیابان مسرنیه تا در میدان باغ یعنی توپخانه
قدیم در دو طرف صف کشیده بودند مشمول تفقدات پادشاهی گردیدند رئیس نظمیه و آتیه شهر دارالخلافه نیز خیابان
معبور راه موکب بهایون بطقهای نصرت و سیرقهای الوان و شانهای شیر و خورشید و صنایف کل و سبزه اراسته
و طوری فرین کرده بود که مورد تحسین طرف توجه کامل گردیده خاطر خطیر مبارک را مسرور نمود

تا ورود بندکان علیحضرت شاهنشاهی غرض بهجارت و دیوانخانه تخت مرمر از توپخانه مبارکه شکست شد پس از ورود معود
ذات اقدس اعلی در تالار تخت مرمر بر سر مجسمه سیر معنی جلوس فرموده سلام عام در پیشگاه حضور معدلت ظهور خسروانی
منعقد گردید تا باریا فکان آستان مقدس از وزرای عظام و شاهزادگان فحام و روسای نظام و دو جوه خدام با آ
در بار سپهر اقدار شاهنشاهی بشمول توجهات و تفقدات طوکانه مستطوره و مبارکی گشتند و سکر سلامت وجود معود بهایون
با تبریک قدوم بخت لزوم مبارک انبار داشتند

شب این روز که شب جمعه نهم بود بشف مقدم فرخنده شیم بهایون مالی دارالخلافه اسواق و معابر معتبره شهر را مفصلاً چراغان
نمودند و عیش و شادمانی گذرانیدند

از خاتون آباد تا شهر دارالخلافه پنجره سیاحت

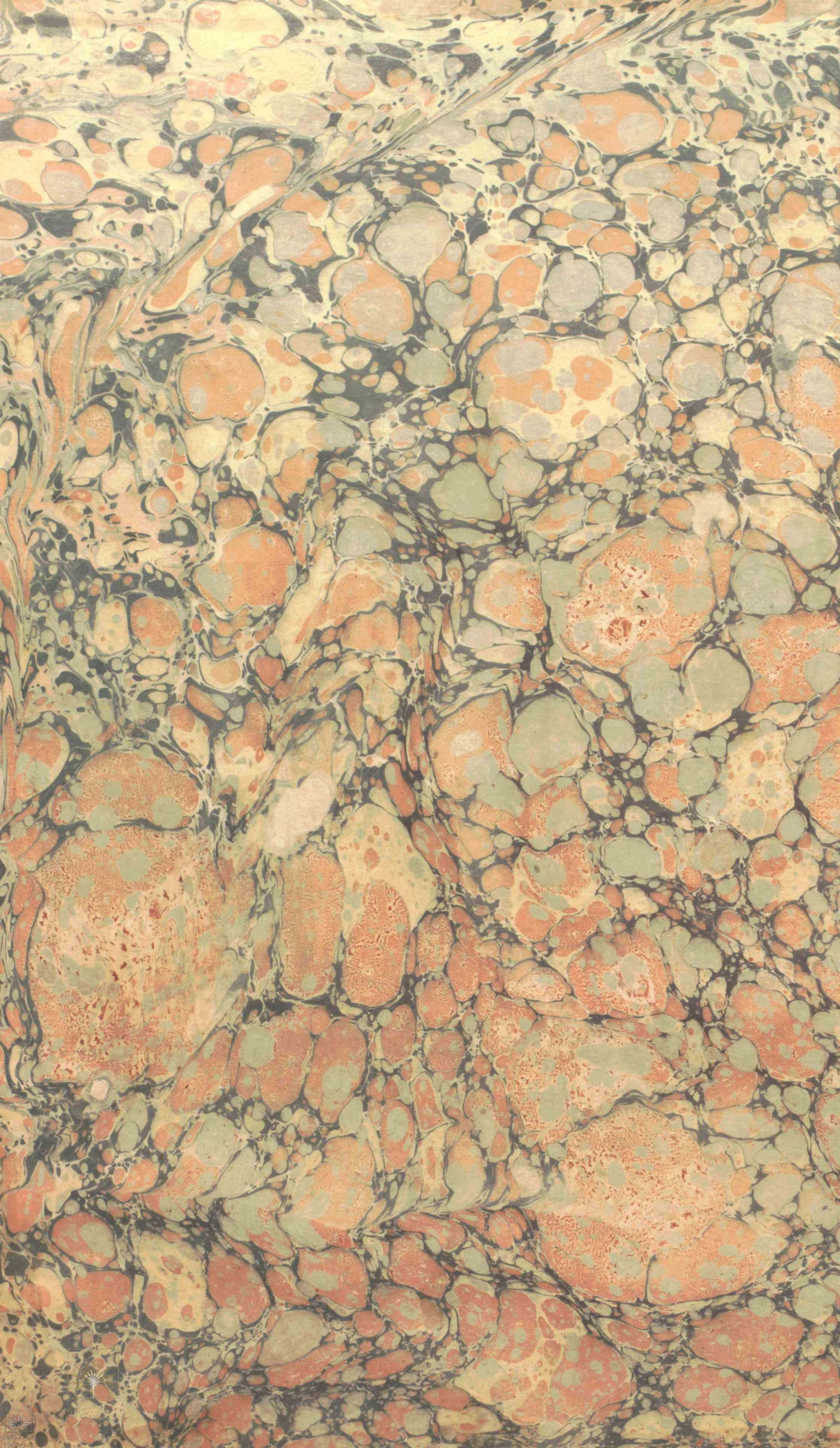
صنیع الدوله وزیر انطباعات

در دارالخلافه











سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران